

از خندق احزاب

تا خندق انقلاب

تطبیق وضعیت کنونی
بر جنگ احزاب و فاطمیہ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سخنرانی مکتوب

از خندق احزاب

تا

خندق انقلاب

گردآورندگان:

حجج اسلام:

محمدهادی صالح پرور، ابوالفضل دهقانی، محمدرضا رئیسی زاده، مسعود شهدادی

تهیه شده در

تشکل فراگیر تبلیغ گروهی طلاب

با حمایت

اداره کل تبلیغات اسلامی استان قم

دهه فجر فاطمی ۱۳۹۷

معرفی محصول:

از جمله طرفندهای مهم و کلیدی دشمن در جنگ نوین و استعمار فرانسه، ایجاد تغییر در فکور محاسباتی مردم جهت ناامید شدن از پیشرفت کشور و رسیدن به قله‌های موفقیت می‌باشد. اتفاقی که به فرموده قرآن کوریم در جنگ احزاب نیز رخ داد و لشگر مسلمانان در درون خود دچار تردید و لرزه فکری و محاسباتی شدید شدند.

مجموعه سخنرانی سلسله‌ای حاضر به تطبیق و بررسی جنگ احزاب با جنگ کنونی و تغییر زاویه دید مخاطبین در عرصه‌های پیش روی انقلاب اسلامی ایران دارد:

موضوع پژوهش:

از خندق احزاب تا خندق انقلاب

تبیین و تطبیق شرایط فعلی انقلاب با جنگ احزاب با هدف اینکه مخاطب خود را در شرایط جنگی ببیند و بر اساس وضعیت جنگی امروز که شبیه جنگ احزاب می‌باشد، در میدان مبارزه نقش خود را به خوبی انجام دهد.

جلسه اول



جنگ احزاب، نبردی بود که در آن تمام قبائل و گروه‌های مختلف دشمنان اسلام برای در کوبیدن «اسلام جوان» متحد شده بودند. زمانی که گزارش تحرک قریش به اطلاع پیامبر اسلام رسید، حضرت شورای نظامی تشکیل داد. در این شورا، سلمان پیشنهاد داد در قسمت‌های نفوذپذیر اطراف مدینه خندقی کنده شود تا مانع عبور و تهاجم دشمن به شهر گردد. این پیشنهاد تصویب شد و ظرف چند روز با همت و تلاش مسلمانان خندق آماده گردید.

سپاه قدرتمند شرک با همکاری یهود از راه رسید و مشاهده خندقی ژرف و عریض در نقاط نفوذپذیر مدینه، آنان را حیرت‌زده کرد. ناگزیر از آن سوی خندق شهر را محاصره کردند. محاصره مدینه مطابق بعضی از روایات حدود یک ماه به طول انجامید.

از طرف دیگر، محاصره مدینه توسط چنین لشکر انبوهی روحیه بسیاری از مسلمانان را به شدت تضعیف کرد به‌ویژه آنکه خبر پیمان‌شکنی قبیله یهودی «بنی قریظه» نیز فاش شد و معلوم گردید این قبیله به بت‌پرستان قول داده‌اند به محض عبور آنان از خندق، اینان نیز از این سوی خندق از پشت جبهه به مسلمانان حمله کنند.

قرآن مجید وضع دشوار و بحرانی مسلمانان را در جریان این محاصره در سوره احزاب به‌خوبی ترسیم کرده است:

«إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا»؛

به خاطر بیاورید زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین شهر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را به یاد آورید که

چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده بود و جان‌ها به لب رسیده بود و گمان‌های گوناگون [بدی] به خدا می‌پردید!

«هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا»؛

در آن هنگام مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.

در چنین وضعیت بحرانی و نابسامانی اتفاقی عجیب و قابل توجه صورت گرفته است:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَمَّا حَفَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْخَنْدَقَ مَرُّوا بِكُدَيْبَةَ؛ مسلمانان در هنگام حفر، به سنگ بزرگ و محکمی برخورد کردند. فَتَنَّاوَلَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُعْوَلَ مِنْ يَدِ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَضَرَبَ بِهَا ضَرْبَةً فَتَفَرَّقَتْ بِثَلَاثِ فِرَقٍ؛ حضرت کلنگ را از دست امیرالمؤمنین یا سلمان گرفت و ضربه‌ای بر آن صخره زد که سه جرقه از آن برخاست. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَقَدْ فُتِحَ عَلَيَّ فِي ضَرْبَتِي هَذِهِ كُنُوزٌ كِسْرَى وَ قَيْصَرَ؛ پیامبر فرمودند: گنج‌های کسری و قیصر بر من گشوده می‌شود!

تا پیامبر چنین فرمود بعضی از مسلمانان گفتند:

فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ يَعِدُنَا بِكُنُوزِ كِسْرَى وَ قَيْصَرَ وَ مَا يَقْدِرُ أَحَدُنَا أَنْ يَخْرُجَ يَتَخَلَّى؛ به ما وعده گنج‌های کسری و قیصر را می‌دهد در حالی که هیچ کدام از ما از ترس نمی‌تواند به دستشویی برود!

درست در وسط این موقعیت بحرانی و وضعیت فشل اقتصادی و روزهای پر از اضطراب و استرس برای مسلمانان، رهبر جامعه ایران خبر از پیروزی‌هایی می‌دهد که در آینده به وقوع می‌پیوندد.

وقتی وضعیت بحرانی جنگ احزاب را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم شرایط امروز ایران اسلامی نیز چیزی شبیه به آن وضعیت است. درست در این شرایط پراضطراب و استرس رهبر جامعه اسلامی ما خبر از پیروزی‌هایی می‌دهد که بیشتر یاران انقلابی نمی‌توانند آن را هضم کنند و شاید در دل خود تعبیری شبیه آن صحابی رسول خدا داشته باشند که: يَعِدُنَا بِكُنُوزِ كِسْرَى وَ قَيْصَرَ وَ مَا يَقْدِرُ أَحَدُنَا أَنْ يَخْرُجَ يَتَخَلَّى.



مقدمه اول: خدا به برخی از رهبران دینی قدرت تحلیل ویژه عنایت می‌کند.

برترین کتاب آسمانی به برخی از بندگان خدا وعده داده که اگر به برخی از کارها عمل کنند خدا به ایشان عنایات ویژه‌ای خواهد داشت مثلاً:

قرآن کریم می‌فرماید: هرکس در راه پیشبرد دین ما را یاری کند ما نیز او را یاری خواهیم کرد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أقدامَكُمْ»^۱.

و در جای دیگر می‌فرماید: اگر کسی در حق کوشا باشد و مجاهدت کند ما راه‌ها را به او نشان می‌دهیم:

«وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۲.

و می‌فرماید: اگر مؤمنین تقوای الهی داشته باشند ما چراغ راه به آنها می‌دهیم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^۳.

روایات ما به صراحت بیان می‌کنند اگر چنین شخصی در جمع شما بود باید از او تبعیت و تقلید کنید. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: مردم عوام باید از عالمی که این خصوصیت‌ها را دارد اطاعت کنند:

۱ محمد، آیه ۷.

۲ عنکبوت، آیه ۲۹.

۳ انفال، آیه ۸. جامع البيان في تفسير القرآن، ج ۹، ۱۴۸: يجعل لكم فصلا و فرقا بين حقكم و باطل من يبيغكم السوء من أعدائكم المشركين بنصره إياكم عليهم، و إعطائكم الظفر بهم.

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ»^۱.

جایگاه ولایت به گونه‌ای است که اطاعت از او واجب می‌شود، از طرف دیگر اگر کسی نگاهش نگاه امت و امام باشد سخنان امام و اوامرش حکم شرعی است و انجامش واجب.

مقدمه دوم: بیان مصداق

به اعتراف دوست و دشمن حضرت آقا یکی از مصداق این آیات و روایات هستند.

حضرت آیت‌الله بهجت این مرد الهی و ربانی و این عالم نودساله وقتی حضرت آقا به قم سفر کردند جزء استقبال کننده به خیابان آمدند. وقتی به ایشان گفتند: آقا شما با این سن و سال...! فرموده بودند: اگر مردم می‌دانستند استقبال از این سید چقدر ثواب دارد کسی در خانه نمی‌نشست.^۲

حضرت آیت‌الله گلپایگانی فرموده بودند: تضعیف شما را حرام می‌دانم چون تضعیف مقام ولایت است.^۳

حضرت علامه حسن‌زاده آملی شخصیتی است که علامه طباطبائی در موردش می‌گوید: «حسن‌زاده را کسی نشناخت جز امام زمان علیه‌السلام». این شخص دو زانو مقابل رهبر معظم انقلاب نشسته و ایشان را مولا خطاب می‌کنند. حضرت آقا می‌فرماید: «این جور نگویند».

ایشان در جواب می‌فرماید: «اگر حتی یک مکروه از شما سراغ داشتم این کار را نمی‌کردم».^۴

حجت‌الاسلام حسین حیدری کاشانی نقل می‌کنند: در یکی از سفرهای مقام معظم رهبری به قم، معظم له به منزل آیت‌الله بهاء‌الدینی تشریف بردند و با ایشان دیدار کردند. روز بعد، بنده به اتفاق یکی از دوستان، به محضر آن عارف رسیدم و از ایشان پرسیدم: دیروز مقام معظم رهبری به اینجا آمده بودند؟ حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی در پاسخ فرمودند: بله! چند دقیقه خورشید اینجا تابید و رفت. او چون خورشید، دارای خیر و برکات است.^۵

نه تنها دوستان بلکه دشمنان و سیاستمداران دنیا هم در مورد ایشان بیانات عجیبی دارند.

«کوبین بارت»، تحلیلگر و کارشناس آمریکایی که چندی پیش برای بررسی افول هژمونی آمریکا به ایران سفر کرده بود می‌گوید:

سال‌ها بود در یک سخنرانی سیاسی شرکت نکرده بودم اما حقایقی در ۵ ثانیه از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای وجود داشت که در ۵ ساعت یاوه‌گویی‌های سیاستمداران غربی وجود ندارد. رهبر عالی ایران واقعاً یک مرد راست‌گو است که نگرانی‌های واقعی برای حقیقت و عدالت دارد و این دلیلی است که رسانه‌های تحت سلطه صهیونیست‌ها می‌خواهند که از ایران تنفر داشته باشید.^۶

خاویر پرز دکوبیار:

من ۱۰ سال است که دبیر کل سازمان ملل هستم کمتر شخصیت سیاسی هست که با او گفتگو نکرده باشم ولی تاکنون شخصیتی هوشمندتر و سیاستمدارتر از آقای خامنه‌ای ندیده‌ام.^۷

۱ بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲ حجت‌الاسلام فقیهی اصفهانی به نقل از آقای رجالی سایت salehat.ir.

۳ پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه www.farsnews.com.

۴ www.fardanews.com.

۵ به نقل از حجت‌الاسلام راشد یزدی سایت تبیان article.tebyan.net.

۶ ۱۳۹۳/۳/۱۱ خبرگزاری فارس www.farsnews.com.

۷ خبرگزاری دفاع مقدس DEFAPeress.ir.

پوتین:

با عنایت به مطالعاتی که درباره مسیح داشته‌ام در ملاقات با رهبر ایران تمام ویژگی‌های حضرت مسیح را در آیت‌الله خامنه‌ای دیدم و برایم منجلی شد.^۱

فوکویاما:

شیعه پرنده ایست که مافوق فضای پروازی خودش حرکت می‌کند. دو بال دارد یک بال سرخ و یک بال سبز و این دو بال با سپر ولایت فقیه محافظت می‌شوند.^۲

کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا در دولت بوش:

رهبر ایران می‌تواند نقشه‌هایی که بهترین ذهن‌ها با صرف بیشترین بودجه‌ها در زمانی بسیار طولانی کشیده‌اند و مجریانی ماهر عهده‌دار اجرای آن هستند را با یک سخنرانی یک‌ساعته خنثی کند.^۳

رجب طیب اردوغان در دیدار با مقام معظم رهبری:

من به‌عنوان مسئول یک کشور نیامده‌ام بلکه به‌عنوان یک مرید به خدمت مرادم آمده‌ام.^۴

مقدمه سوم: اثبات ادعا

حالا این آقائی که این همه دوست و دشمن و خودی و غیرخودی تأییدش می‌کنند و «حافظا لهواه مطیعا لامر مولاه» هست و تقوا دارد طبیعتاً راه را بهتر، دقیق‌تر و حساب‌شده‌تر می‌بیند؛ تا الان هم پیشگوئی‌ها و تحلیل‌هایش کاملاً به وقوع پیوسته. چند نمونه از پیشگویی‌های ایشان را ببینید:

بیداری اسلامی و نفوذ این بیداری تا قلب اروپا

شکی نیست که بر اساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت و این خاورمیانه خاورمیانه اسلام خواهد بود و این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپائی علیه سیاستمداران و زمامداران قیام خواهند کرد.^۵

امروز شما وضعیت فرانسه را ببینید. قیام علیه سرمایه‌داری در قلب اروپا آن هم با الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته است.

سقوط غرب

شما جوان‌ها آن روز که غرب سقوط کند را خواهید دید.^۶

جنگ سوریه و جنگ لبنان

سردار کوثری می‌گوید حدود چهار سال پیش از طرف مجلس به سوریه رفتیم تا شرایط جنگ سوریه را بسنجیم بعد رفتیم دیدار سید حسن نصرالله. در این دیدار سید حسن نصرالله گفت: «رفته بودیم پیش آقا برای گزارش جنگ سوریه، گفتیم اصلاً وضع مناسبی ندارد یک فکری کنید برای سوریه». آقا فرمودند: «نه بشار خواهد رفت و نه سوریه به دست دشمنان خواهد افتاد»؛ و امروز می‌بینیم دقیقاً

۱ خبرگزاری دفاع مقدس DEFAPERESS.IR

۲ سایت تبیان article.tebyan.net

۳ خبرگزاری دانشجو snn.ir

۴ www.asriran.com

۵ دیدار شرکت کنندگان همایش غزه ۱۳۸۸/۱۲/۸

۶ دیدار طلاب مدرسه مجتهدی تهران ۱۳۸۳/۴/۲۲

همین‌طور شد.^۱ البته آقا یک چیز دیگر به‌عنوان توصیه برای پیروزی حزب‌الله فرموده بودند: «به رزمندگان بگویید در سنگرها دعای جوشن صغیر بخوانند و به حضرت زهرا (علیها السلام) توسل کنند». همین هم شد؛ هم حزب‌الله بر اسرائیل پیروز شد و هم سوریه بر دنیا.

برجام

این همه حضرت آقا فرمودند: «من به مذاکرات خوش‌بین نیستم آمریکائی‌ها بعد از هسته‌ای موشک‌های شما را و بعد از آن حقوق بشر و... را بهانه می‌کنند».^۲ الان هم ببینید که وضعیت برجام بر مبنای خوش‌بینی درست بود یا مبنای بدبینی؟

مقدمه چهارم: تبیین شباهت شرایط امروز جامعه به جنگ احزاب

حالا همین آقا سال‌هاست که به‌عنوان دیده‌بان و فرمانده این انقلاب نه پیش‌بینی بلکه اعلام عملیات کردند و یک هشدار جدی به همه ما دادند. البته برخی از ما آن هشدار را جدی نگرفتیم. ایشان فرمودند ما در شرایط جنگی هستیم و به ما حمله شده است و در بین این همه جنگ در تاریخ اسلام ایشان شرایط را مثل جنگ احزاب توصیف کردند.^۳

در یک سخنرانی فوق‌العاده ایشان شرایط کنونی ما را با شرایط جنگ احزاب تطبیق دادند. خوب دقت فرمایید.

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا».^۴

اگر بارجو الله و الیوم الاخر هستیم اسوه پیامبر است نه اینکه ما مثل او عمل کنیم که محال است بلکه راه او را باید ادامه بدهیم.

«وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا».^۵

از همه طرف حمله کردند. در جنگ بدر یک گروه بودند، در جنگ احد یک گروه بودند، در جنگ‌های دیگر قبائل کوچک بودند اما در جنگ احزاب همه قبائل مشرک مکه و غیر مکه و غیره همه متحد شدند.

ده هزار نفر فراهم کردند یهودی‌ها هم که همسایه پیامبر و امان‌یافته پیامبر بودند خیانت کردند. آنها هم با کفار همکاری کردند. اگر بخواهیم این را با امروز مقایسه کنیم یعنی آمریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی و فلان رژیم مرتجع نفت خوار پول خرج کردند، نیروهایشان را جمع کردند یک جنگ احزاب درست کردند. جنگ احزابی که دل خیلی‌ها را آن اوایل لرزاند: «وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا هَلْ يَأْتِيَنَّكُمْ لَمَّا قَامَ لَكُمْ فَرَجٌ».

مردم را می‌ترسانند الان هم یک عده مردم را می‌ترسانند: «آقا بترسید مگر شوخی است؟ مقابله با آمریکا؟ پدرتان را درمی‌آورند!» این جنگ نظامی‌شان، این تحریم‌هایشان، این فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی‌شان...

«لَئِن لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ».

مرجفون همین‌ها هستند. خدا و رسولش به ما گفته بودند که اگر پایبند به توحید باشید، پایبند به ایمان به خدا و رسول باشید دشمن دارید. بله گفته بودند حالا هم درست از آب درآمده؛ دشمن داریم. «وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ»

منافق، ضعیف‌الایمان، فی‌قلوبهم مرض، طوایف گوناگونی هستند که وقتی دشمن را می‌بینند نشان مثل بید می‌لرزد؛ بنا می‌کنند به مؤمنین بالله و زحمت‌کشان در راه خدا عتاب و خطاب و اذیت‌کردن و فشار آوردن: آقا چرا این‌جوری می‌کنید؟ چرا کوتاه نمی‌آیید؟ چرا سیاست‌تان را این‌جوری نمی‌کنید؟ همان کاری که دشمن می‌خواهد انجام می‌دهند.

۱ tasnimnews.com ۳ آذر ماه ۱۳۹۶.

۲ ۱۳۹۲/۱/۱ سخنرانی در حرم مطهر رضوی.

۳ ۱۳۹۱/۷/۱۹ دیدار با روحانیون استان خراسان شمالی.

۴ احزاب، آیه ۲۱.

۵ احزاب، آیه ۲۲.

اما از آن طرف مؤمنین سالم می‌گویند: نه ما تعجب نمی‌کنیم خوب باید دشمنی کنند: «و لن یرضی عنک الیهود و لا النصراری حتی تتبع ملتهم».

تا وقتی دنباله‌رو آنها نشوی آش همین آش است و کاسه همین کاسه. قوی کن خودت را که کمندش در گردن تو تأثیر نگذارد! یک تکان به کمندش بدهی پاره می‌شود چرا خودت را تضعیف می‌کنی تا در مقابلش تسلیم بشوی و به خاک بیفتی؟
«وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا». این جوروی باشید عزیزان من، فرزندان من.
وقتی به این تشبیه دقت ویژه می‌کنیم می‌بینیم شرایط امروز انقلاب اسلامی ما خیلی شبیه به جنگ احزاب است. برای اینکه ببینیم ایشان چقدر حکیمانه تطبیق دادند من به چند نمونه از شباهت‌ها اشاره می‌کنم:

- در احزاب حمله همه‌جانبه بود؛ کفار و یهود و منافقین همه بودند. ۱۰ هزار نفر در مقابل ۳ هزار نفر مسلمانان. امروز همه کفر در مقابل ما متحد شدند.
- در احزاب مؤمنین محاصره شدند؛ یک محاصره طولانی. امروز هم دشمنان از چند کشور و چند ملیت ایران را محاصره کردند.
- در جنگ احزاب عده زیادی ترسیدند الآن هم یک عده به حدی ترسیده‌اند که به مذاکره پناه برده‌اند.
- در احزاب یک ایرانی پیشنهاد خندق داد و برای مبارزه با محاصره خندق کنده شد و مسلمانان نجات پیدا کردند. امروز هم در این محاصره چندجانبه مخصوصاً تحریم اقتصادی حضرت آقا پیشنهاد خندق اقتصادی یعنی تکیه به قوای درون و اقتصاد مقاومتی را داده‌اند.

تبیین چند برابر بودن این جنگ نسبت به جنگ احزاب

جالب اینجا است که این فرزند رشید فاطمه (امام خامنه‌ای) تحلیل بسیار زیبایی دارند که شرایط امروز جامعه ما چند میلیون برابر از جنگ احزاب شدیدتر است. در این زمینه ایشان می‌فرمایند:

در دوره خود ما، چهل سال است که سخت‌ترین دشمنی‌ها دارد با این ملت می‌شود که از این سخت‌تر دیگر؟! واقعاً با هیچ ملتی این اندازه خصمانه برخورد نشده؛ خصمانه و جامع‌الجهات. یک جبهه احزاب عجیب‌وغریبی مثل جنگ احزاب صدر اسلام در ابعاد چند میلیون برابر، علیه جمهوری اسلامی تشکیل شده، همه‌جور کاری که توانسته‌اند انجام داده‌اند؛ تحریم کرده‌اند، تبلیغات کرده‌اند، جنگ کرده‌اند، توطئه امنیتی کرده‌اند؛ همه‌جور کاری که می‌توانستند انجام داده‌اند.^۱



بنابراین یک انسان مؤمن انقلابی باید خودش را در حال دفاع و جهاد در مقابل صف عجیبی از دشمنان ببیند. اصلاً راه فراری نداریم. خدا زندگی ما را در فضای کاملاً مبارزاتی و جهادی قرار داده است.

اگر یک نگاه دقیق و انسان‌شناسانه به زندگی داشته باشیم می‌بینیم ما از بدو تولد تا مرگ درگیر جنگ و مبارزه‌ایم طرف مقابل ما کیست؟ یا دشمن درون یا دشمن بیرون.

رسول خدا ﷺ دشمن درون ما را به زیبایی معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيْكَ».^۲

۱ بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با نمایندگان مجلس ۹۷/۳/۳۰

۲ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷ ص ۶۴

دشمن‌ترین دشمن تو نفس تو است که در بین دو پهلوی تو قرار دارد. پس تو همیشه با نفست در مبارزه‌ای. اصلاً تلاش برای زندگی و رزق و روزی هم همین‌طور است. پیامبر ﷺ در مورد کسی که در تلاش برای تأمین نیازهای خانواده خودش است تعبیر به مجاهد فی سبیل الله کرده، می‌فرماید:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱.

با دشمن بیرونی هم که همیشه جنگ داریم. ما تا وقتی در جبهه توحید و طبق تعبیر خداوند در حزب‌الله باشیم جنگ خواهیم داشت تا روزی که پیروزی نهایی حاصل شود: «مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»^۲. پس راه فراری از جنگ نداریم حالا که این‌طور است دو راه در پیش داریم:

یا تسلیم می‌شویم که کاری ندارد. بسیاری الان تسلیم نفس درون یا طاغوت بیرونی هستند. عواقبش را هم می‌دانید. یا می‌جنگیم و این بهترین انتخاب است چون در این صورت استعدادها و ظرفیت‌های پنهان ما بارور می‌شود. اصلاً رشد یک فرد و یا یک جامعه در مبارزه با دشمن اتفاق می‌افتد. می‌گویند: هیچ‌وقت از باد مخالف نترس چون بادبادک‌ها با باد مخالف پرواز می‌کنند. شما تا نجات نمی‌توانی مستقل بشوی و تا مستقل نشوی نمی‌توانی پیشرفت کنی.

کشور عزیز خودمان را ببینید! عده‌ای گفتند: بی‌خیال! زور ما به شاه نمی‌رسد و تسلیم شدند.

عده‌ای هم مبارزه را شروع کردند و بالاخره پیروز شدند و افتخار آفریدند.

امام تعبیری در مورد جنگ دارد، می‌فرماید: جنگ از الطاف خفیه الهی بود.

در ۲۰۰ سال اخیر که انواع حملات به کشور ما شده است در همه جنگ‌ها ما شکست خورده‌ایم اما به برکت انقلاب اسلامی و روحیه مجاهدتی که در جوانان کشور ما ایجاد شد بعد از ۲۰۰ سال تنها جنگی که حتی یک وجب از خاکمان را به دشمن ندادیم و از تمامیت ارضی خودمان دفاع کردیم دفاع مقدس بود.

ببینید امام خمینی رحمته الله علیه در مورد جنگ و الطاف خفیه آن چه می‌فرماید:

- هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.

۱ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۸۸.

۲ مائده، آیه ۵۶.

• ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.^۱

رد جنگ بود که ما خودمان را باور کردیم. کشوری که یک اسلحه ژ ۳ نداشت امروز در جهان تنها کشوری است که موشک‌های فوق هوشمند بدون خطا می‌سازد.

خوشا روزی که گرم جنگ بودیم	میان رنگ‌ها بی‌رنگ بودیم
دل هر کس شهادت را طلب داشت	حدیث عشق و مستی را به لب داشت
خوشا تنهائی شب‌های سنگر	که دل بود و تمنا بود و دلبر

در مبارزه است که ظرفیت‌ها و استعدادها درونی افراد شکوفا می‌شود. محمدابراهیم همت یک معلم اصفهانی بود. اوستا عبدالحسین برونسی یک کارگر بنا بود. جنگ باعث شد که اینها فرمانده سپاه اسلام بشوند و چه خدمات بکنند و چه شهرت زمینی و آسمانی و چه عاقبت زیبایی پیدا کنند.

شهید غلامحسین افشردی که به تعبیر حضرت آقا معجزه جنگ بود جوانی بود که بعد از کمتر از دو سال حضور در جنگ تبدیل شد به طراح و مغز متفکر عملیات‌های جنگی و الآن تاکتیک‌ها و استراتژی‌های او در مراکز نظامی مورد مطالعه و تدریس واقع می‌شود. اصلاً جنگ همه‌اش خیر بود. در این روایت ناب وجود نازنین پیامبر تصویری زیبا از جنگ ترسیم می‌کند، می‌فرماید:

اگر در راه خدا جهاد و مبارزه کردی چند حالت دارد:

اگر کشته شدی که زنده‌ای و در نزد خدا روزی می‌خوری، اگر کسی از دشمن را کشتی اجرت با خود خداست، اگر زنده برگشتی از گناہانت پاک شده‌ای.^۲

چه کسی گفت و غلط گفت که تکبیر بس است؟	اسب و میدان بلا، نیزه و شمشیر بس است؟
چه کسی بال مرا بست که پرواز بس است؟	سرب در حنجره‌ام ریخت که آواز بس است؟
سجده در مذهب ما با خطر تیر خوش است	ذکر اگر هست همان از لب شمشیر خوش است

حالا اگر کسی گفت همه اینها خوب اما من کارهای واجب‌تری دارم و این توفیقات را فعلاً نمی‌خواهم، چه می‌شود؟ عزیزم، اگر درحالی که نایب امام زمان می‌گویی الآن وقت جهاد است اهل جهاد نباشی چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر درحالی که دشمنان جنگ احزاب علیه شما راه انداخته‌اند مجاهد نباشی چه وضعیتی پیش خواهد آمد؟ آدم‌هایی که این‌طور حرف می‌زنند آدم‌هایی هستند که خودشان را به خواب زده‌اند. این جور آدم‌ها را نمی‌شود بیدار کرد نمی‌توانی به ایشان ثابت کنی که شرایط جنگی است آن هم جنگ احزاب؛ من نام لم ینم عنه.^۳

درباره همین مطلب امام خامنه‌ای می‌فرماید:

یکی از نکاتی که بنده اصرار دارم تکرار کنم و نگذارم از ذهن کسی بیرون برود، حضور دشمن و ترفندهای دشمن است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمِ عَنْهُ، أَخَا الْحَرْبِ أَرْق؛ اگر شما در سنگر خوابتان برد، در سنگر مقابل شما - که دشمن شما است - ممکن است

۱ صحیفه نور جلد ۲۱، تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷

۲ العیاشی عن الباقر علیه السلام قال اتی رجل رسول الله صلی الله علیه و آله فقال انی راغب نشیط فی الجهاد قال مجاهد فی سبیل الله فانک ان تقتل کنت حیا عند الله تترق و ان مت فقد وقع أجرک علی الله و ان رجعت خرجت من الذنوب الی الله هذا تفسیر و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتا الایة. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۳۹۹.

۳ نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۴۵۲، نامه ۶۲

چشمی بیدار باشد، علیه شما فعالیت کند؛ نباید خوابتان ببرد، مراقبت را نباید فراموش کنید؛ در همه امور. مسئولان مخاطبان اول این سخن‌اند. دشمن مشغول دشمنی است، کارهای گوناگونی انجام می‌دهد؛ منتها به فضل الهی، به توفیق پروردگار، ملت ایران و مسئولان کشور آبدیده شده‌اند.^۱

وقتی این‌گونه شد و شرایط جنگی را باور نداشتی و حالت دفاعی و جهادی به خود نگرفتی یک‌وقت به خودت می‌آیی که دیگر دیر شده، حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

«مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ اَنْتَبَهَ بِوِطْأَةِ عَدُوِّهِ»^۲.

کسی که به هنگام یاری ولی خدا (رهبر امت) بخوابد با لگد دشمن از خواب بیدار خواهد شد.

اگر در مدینه امت پیامبر بیدار نبودند و از قبل خندق حفر نمی‌کردند دیگر نه مدینه‌ای بود و نه اسلامی. الآن هم ما باید بیدار و آماده باشیم و روحیه جهادی داشته باشیم تا مبتلا به وضعیت خفت و خواری امت‌های پیشین و الآن نشویم. اگر شهدای مدافع حرم که عاشق جهاد و شهادت بودند نمی‌رفتند دماغ داعش را به خاک بمالند ما با ناموس‌کشی داعش در کرمانشاه و همدان مواجه می‌شدیم.

عزیزان، خدای تبارک و تعالی با هیچ‌کدام از ما تعارف ندارد؛ اگر این مسیر نورانی و ثمره خون انبیا و علما و شهدا را ادامه ندهیم، این علم نورانی را از ما می‌گیرد و به کسانی که اهل جهاد باشند می‌دهد و آن کسی که ضرر می‌کند ما هستیم. ما مییم که حسرت می‌خوریم، ما مییم که می‌بینیم عمر گذشت اما به درد ولی خدا نخوردیم.

شاید کسی بگوید ما به ولی خدا ضربه نمی‌زنیم و باعث آزار ولی خدا نمی‌شویم. همین برای ما بس است و کفایت می‌کند نیازی نمی‌بینیم که اهل جهاد باشیم و توفیق بیش از این را نمی‌خواهیم. دست از سر ما بردارید.

عزیز من، عزادار و عاشق حضرت زهرا علیها السلام هیچ‌وقت چنین حرفی نمی‌زند. مگر شما عزادار بی‌بی دو عالم نیستید؟ کسی که داغ سیلی و پهلوی شکسته در سینه‌اش باشد همیشه اهل جهاد است. مشکل مردم مدینه این بود که یا نفهمیده بودند شرایط جنگ است (جنگ نرم) یا می‌دانستند ولی دوست نداشتند اهل جهاد باشند و از جنگ خسته شده بودند. سرنوشت این آدم‌ها چه شد؟ اینها فکر می‌کردند اگر ولی خدا را یاری نکنند و یک گوشه بنشینند به جبهه حق ضربه‌ای وارد نمی‌شود در صورتی که در روایت می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ بِغَزْوِ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنَ النِّفَاقِ»^۳. کسی که جهاد نکند یا آرزوی جهاد نداشته باشد اگر بمیرد در حالی مرده است که شعبه‌ای از نفاق در او بوده است. ای کاش کار به همین جا ختم می‌شد اما سرنوشت کسی که آرزوی جهاد نداشته باشد و اهل جهاد نباشد سرنوشت مردم مدینه است. فرمود: «ولم یمش فی حاجه ولی الله ابتلی الله بان یمشی فی حاجه عدو الله»^۴.

کسی که در مسیر حاجت ولی خدا حرکت نکند لاجرم در مسیر رفع حاجت دشمن خدا حرکت خواهد کرد.

۱ ۹۶/۵/۱۲

۲ عیون الحکم و المواعظ (البیہی)، ص ۴۴۱.

۳ صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، ج ۶، ص ۴۹؛ سنن ابی داود، ابن اشعث سجستانی، ج ۱، ص ۵۶۲؛ سنن کبری، بیہقی ج ۹، ص ۴۸؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۴، ص ۲۹۳.

۴ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۲.

رفقار سازی

اگر می‌خواهیم طعم زندگی مجاهدانه را بچشیم باید آن را زندگی کنیم. بعضی چیزها گفتنی نیست باید خود انسان عمل کند تا بفهمد؛ مثل اربعین. وقتی برای دیگران توضیح می‌دهی که اربعین عجیب خوش می‌گذرد باور نمی‌کنند اما وقتی خودشان یک‌بار آن را تجربه کنند دیگر نمی‌توانند بی‌خیال این سفر نورانی و لذت‌بخش بشوند.

برای اینکه بتوانیم زندگی مجاهدانه داشته باشیم باید با این نوع زندگی انس بگیریم و یک مدل داشته باشیم یعنی با کسانی که این جور زندگی می‌کردند مأنوس بشویم. بهترین مدل برای زندگی مجاهدانه شهدا هستند.

چرا شهدا؟ چون به عصر ما نزدیک‌اند یعنی در همین میان راحت‌طلبی‌ها و زندگی‌های بعضاً منفعل و بی‌روح اینها توانستند جهادی زندگی کنند.

باید با مطالعه زندگی این مبارزان عزممان را جزم کنیم و بفهمیم که ما هم می‌توانیم مجاهدانه زندگی کنیم.

مقید باشید ماهی یک کتاب از کتب شهدا را بخوانید. امام علیه السلام فرمود: ۵۰ سال عبادت کردید خدا قبول کند یک‌بار هم وصیت‌نامه شهدا را بخوانید!

اصلاً می‌توانید در اتاقتان یک کتابخانه کوچک شهدا داشته باشید یا حداقل عکس شهدا را بزنید.

مگر می‌شود زندگی کسی با مطالعه کتب شهدا و انس با آنها مجاهدانه بشود؟

بله. شهید حججی متولد دهه ۷۰ با الگوگیری از شهدای دهه ۶۰ مجاهد و شهید و حجت خدا بر همه ما شد.

شهید هادی ذوالفقاری با انس گرفتن با شهید ابراهیم هادی شهید شد.

اینکه گفته‌اند کمال هم‌نشین در انسان اثر می‌کند حقیقت است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ»^۱.

رفقا شک نکنید! مطمئن باشید اگر برنامه انس با شهدا را با اعتقاد دنبال کنید زندگی‌تان متحول خواهد شد.

چقدر خوب است هم‌نشین شهدا باشیم. امروز که پیدا کردن یک رفیق خدایی مشکل است، امروز که شیطان نفس و شیطان بیرونی با

انواع تهاجمات می‌خواهند ما را زمین بزنند دنبال کردن راه شهدا بیشتر اهمیت پیدا می‌کند.

زهرای

حضرت زهرا علیها السلام مجاهدانه زندگی کرد، مجاهدانه امامش را یاری کرد و مجاهدانه از امامش دفاع کرد. یکی از مجاهدت‌های عملی زهرا

این بود که شب هنگام با علی در خانه مردم مدینه می‌رفت. امیرالمؤمنین فاطمه زهرا را سوار بر مرکب می‌کرد و دست فرزندان خود امام

حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را می‌گرفت و به در خانه یکایک یاران پیامبر می‌رفت. از مهاجر و انصار کمک می‌خواست. آنها را قسم

می‌داد علی را یاری کنید. گفتند یاری می‌کنیم. مولا فرمودند: فردا سرهای خود را بتراشید و بیایید. فقط ۴ نفر آمدند!^۲

خدا نکند این شرایط برای ما پیش بیاید، ولی زمان ما را به یاری دعوت کند و ما او را یاری نکنیم. خدا نکند مثل این مردم جواب امام

را بدهیم. این شب اول یک حرفی بزنم دلت آتش بگیرد. اگر اشکت جاری شد فرج امام زمان را فراموش نکنید. مریض‌ها را فراموش

نکنید. امواتمان فیض ببرند.

۱ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۷۵

۲ کامل بهایی جلد ۲ صفحه ۴

خدا نکند برای مرد شرایطی پیش بیاید همسرش مجبور شود به نامرد رو بیندازد؛ و تازه جوابش را ندهند و یاری‌اش نکنند. فرض کن شرایطی پیش بیاید که خدای ناکرده همسر ولی زمان ما مجبور شود برای دفاع از اسلام به نامردها رو بیندازد ما چه حالی پیدا می‌کنیم؟ زهرا سرور زنان عالم، دختر بهترین خلق عالم، همسر امیرالمؤمنین عالم، به خاطر امامش به خاطر اسلام به نامرد رو انداخت اما جوابش را ندادند و حرفش را گوش نکردند و عکس خواسته‌اش عمل کردند... در خانه‌اش را آتش زدند و محسنش را کشتند. بین در و دیوار قرارش دادند و سیلی به صورتش زدند. اینجا این بانو به نامرد رو انداخت، جوابش را ندادند؛ اما عزاداران حضرت زهرا من یک جای دیگری هم سراغ دارم که بانویی به نامرد رو انداخت و عکس حرفش عمل کردند.

سید بن طاووس می‌نویسد: تا کاروان اسرا به نزدیک دمشق رسیدام کلثوم نزدیک شمر نامرد شد. دختر علی مجبور شد به یک آدم پست رو بیندازد: شمر، دو تا خواهش دارم. اول ما را از یک دروازه وارد شام کنید که نامحرم کمتر ما را نظاره کنند و دوم دستور بده سرهای شهدا را از بین محمل‌های ما بیرون ببرند تا مردم به بهانه تماشای سرهای بریده به ناموس‌های فاطمه نگاه نکنند.

اما نامرد عکس حرف دختر علی عمل کرد. دستور داد سرها را بر نیزه‌ها کنار محمل زن و بچه قرار دادند و از دروازه شلوغ ساعات وارد کردند، جوری که شیخ عباس قمی می‌نویسد: ۵۰۰ هزار نامحرم زینب و بچه‌ها را تماشا می‌کردند. امام زمان، چه حالی داشتید وقتی عمه جان شما میان آن همه نامحرم بود و هزاران چشم او را تماشا می‌کردند... هر جا هستی ناله بزن یا حسین!

همیشه ملتمسین دعای فاطمه‌ایم

چه افتخار بزرگی گدای فاطمه‌ایم

مقلدان ره فضه‌های فاطمه‌ایم

چه خوب شد که غلام وفای فاطمه‌ایم

جلسه دوم



در خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام در مورد مهاجرین و خصوصاً انصار تعابیر بسیار عجیبی دارد. عجیب از این جهت که انسان‌های فوق‌العاده‌ای بودند. تعبیّرات حضرت گویای مقام بالای انصار و نشان‌دهنده مجاهدت‌های بی‌وقفه آنهاست من چند تعبیر حضرت را ذکر می‌کنم تا شما هم به خوب بودنشان پی ببرید. ایشان خطاب به انصار مدینه می‌فرمایند:

«وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَالصَّلَاحِ؛

شما انصار رسول خدا بودید و از او دفاع می‌کردید، از کسانی بودید که به خوبی و صلاح معروف بودند».

«وَالنُّخْبَةَ الَّتِي أَنْتُمْ خِيَبْتُمْ وَالْخَيْرَةَ الَّتِي اخْتِيبْتُمْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛^۱

شما بازمانده و انتخابی بودید که برای پیغمبر اسلام باقی مانده بودید آن هم در زمانی که همه یاران و بستگانش او را رها کرده بودند». تعابیر حضرت در مورد انصار آن‌چنان عظیم است که انسان را به تعجب وامی‌دارد. تعابیری که حضرت زهرا علیها السلام مرضیه در مورد آنها به کار برده به گونه‌ای است که حتی انسان گاهی آرزو می‌کند کاش این تعابیر در مورد او به کار می‌رفت. سؤال مهمی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است: چه می‌شود که افرادی با این سابقه و اوصاف به جایی می‌رسند که به علی علیه السلام پشت کرده و رهایش می‌کنند و حتی وقتی فاطمه علیها السلام هم برایشان خطبه می‌خوانند توجهی ندارند؟ جواب این سؤال بسیار مهم است و می‌تواند جلوی انحراف ما دوستان حضرت زهرا علیها السلام که آمده‌ایم برای حضرت عزاداری کنیم را بگیرد.

یکی از عوامل مهم که باعث شد این افراد مجاهد جبهه حق در سقیفه زمین بخورند عملیات روانی شیطان بوده است. این مدل فریب دادن شیطان که چیزی شبیه عملیات روانی است یعنی با ذهن فرد کاری می‌کند که نتواند بین حقیقت و واقعیت فرق بگذارد و دروغ را حقیقت و حقیقت را دروغ بپندارد و فکر کند کار درست را انجام می‌دهد. همان کاری که شبیه آن را جبهه کفر در جنگ احزاب انجام داد.

امروزه دشمن همین حربه را علیه امت مسلمان و مخصوصاً مردم عزیز ما به کار می‌برد که با تعبیر جنگ شناختی از آن یاد می‌کنند. جنگ شناختی دشمن یکی از دقیق‌ترین حربه‌های دشمن است که باید با آن آشنا شویم.



جنگ شناختی دشمن سبب می‌شود ما خود را در شرایط احزاب نبینیم و نسبت به آینده انقلاب امیدمان را از دست بدهیم است تقریباً می‌توان گفت مهاجرین و انصار با همین شیوه توسط دشمن شکست خوردند.

تبیین جنگ شناختی

لازم است ابتدا انواع قلمروها را در جنگ‌های انسانی توضیح دهیم. در طول تاریخ وقتی کشورها با همدیگر درگیر می‌شدند برای پیروزی به چند نوع قلمرو حمله می‌کردند:

۱- تصرف و حمله به قلمرو زمینی کشور مقابل با حمله به مرزها و حدود جغرافیایی آن کشور

۱ الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ۱۰۳؛ احتجاج فاطمة الزهراء علیها السلام علی القوم لما منعوها فدک و قولها لهم عند الوفاة بالإمامة.

۲- تصرف و حمله به قلمرو و حریم دریایی و آبی کشور مقابل

۳- تصرف و حمله به قلمرو و حریم هوایی کشور درگیر جنگ

برای همین کشورها ناگزیر بودند برای دفاع از کشور خودشان با حمله‌کننده به مقابله برخیزند؛ اگر از زمین حمله می‌کرد نیروهای زمینی فعال می‌شدند؛ اگر از دریا حمله می‌کردند نیروهای دریایی مقابله می‌کردند؛ اگر هم حمله هوایی بود با موشک و نیروی هوایی جلوی تهاجم را می‌گرفتند. طبیعتاً برای هر دو طرف خسارت آور بود. تا اینکه کشورها به این نتیجه رسیدند که این مدل جنگ برایشان هزینه آور است؛ هم خود ضرر می‌کنند هم اگر کشور مقابل را به تصرف درآورند یک مستعمره ویران با زخمی‌های فراوان نصیبشان شده است، به همین منظور کشورهای سلطه‌جو به مدل جدیدی از جنگ روی آوردند که در آن با کمترین هزینه بیشترین بهره‌عایدشان بشود.

اقسام جنگ‌ها

- «جنگ سخت یا Hard War هارد وار»: استفاده از نیروی انسانی و سلاح برای جنگ، امروزه به تقابل سلاح‌های هوشمند رسیده‌ایم؛ ایران در عرصه تولید سلاح‌های هوشمند از رتبه‌های برتر جهان است.
- «جنگ سرد یا cold war کلد وار» تولید، پیشرفت و انباشت سلاح‌های جنگی نظامی با هدف پیشگیری از حمله نظامی که بزرگ‌ترین جنگ سرد بین آمریکا و شوروی بود که به فروپاشی شوروی انجامید.
- «جنگ اطلاعاتی یا Information War اینفورمیشین وار»، ایران در این جنگ جزو ۵ کشور برتر دنیاست.
- «جنگ شناختی یا cognitive war کogniti ve war کاگنیتیو وار»

نظریه جنگ شناختی سان تزو

سان تزو ۲۵۰۰ سال پیش از ژنرال‌های ارتش چین بود. عمده مطلبی که می‌گوید این است که گرفتن ۱۰۰ شهر با ۱۰۰ جنگ هنر نیست. هنر این است که شما یک شهر را بدون جنگ بگیری. به سبکی که نیروها و ارتش آن شهر بشوند غنیمت؛ یعنی شما حتی ارتش آن شهر را بگیری.^۱

در واقع جنگ شناختی تصرف قلمرو زمین و دریا نیست بلکه از همه مهم‌تر تصرف اذهان و قلوب کشور موردحمله است آن هم بدون خون و خونریزی.

این کار از طریق نفوذ در دستگاه محاسبات و ادراک و ذهن مردم کشور انجام می‌شود تا با القاء شبهات نگاه مردم آن کشورها را به حاکمیت و استقلال وطن خودشان منفی کنند و بدون حمله نظامی و جنگ فیزیکی فقط با ارائه داده‌های غلط در فضای رسانه که بهترین بستر و مهمات این نوع جنگ است مخاطب خود را در جهت منافع پلید خود از راه دور مدیریت کند تا مردم خودشان در جهت نابودی کشور خود اقدام نمایند.

معمولاً دشمن وقتی راه دیگری برایش نمانده با استفاده از جنگ شناختی به مردم القاء می‌کند که شما ضعیف شدید. شما بد عمل می‌کنید. شما ناقص هستید. شما به کمک ما نیاز دارید. شما برای برطرف کردن مشکلات و حوائج خودتان باید از ما تبعیت کنید و به ما روی بیاورید تا از گرسنگی نمیرید. این باور را در وجود آنها رسوخ می‌دهد تا جایی که تبدیل به عقیده مردم می‌شود. در جنگ احزاب دقیقاً همین اتفاق افتاد اما با مدیریت نبی گرامی اسلام و رشادت حضرت علی علیه السلام و لطف و امداد حضرت حق تلاش دشمن خنثی شد.

تبیین شرایط دشمن در جنگ احزاب و اعمال جنگ شناختی

از صدر اسلام تاکنون در همه جنگ‌های حق و باطل عملیات روانی و رسانه‌ای که هدفی جز وارونه جلوه دادن حقیقت ندارد وجود داشته است؛ نمونه بارز آن جنگ احزاب است. ده هزار نفر از مشرکین و یهودیان و منافقین متحد شدند تا کار اسلام نوپا را یکسره کنند. به مدینه که رسیدند با خندق روبرو شدند. پشت خندق خیمه زدند چون دیدند راه نفوذ ندارند.

دوری از مکه و همچنین مدیریت بی‌نقص پیامبر صلی الله علیه و آله اوضاع جبهه باطل را خیلی به هم ریخته بود. دشمن دید اگر شرایط به همین نحو پیش برود بازنده جنگ خواهد بود. پس طرحی جدید را اجرا کرد. به‌واسطه منافقین شروع کردند به جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی برای

۱ هنر جنگ (the art of war)، سان تزو.

ایجاد شک و تردید در ذهن مؤمنین و ایجاد حس نفرت نسبت به ادامه جنگ؛ در واقع آنها حقیقت جنگ را وارونه جلوه دادند و با القاء اینکه حال و روز جبهه حق خیلی بد و به همین ریخته است و برعکس جبهه باطل کاملاً آماده و مجهز و بارو حیه است، برخی از مؤمنین سست ایمان را فریب دادند. تا حدی که حتی به آنها القاء می‌کردند که وعده خدا و پیامبر به شما فریبی بیش نبوده است. قرآن چه زیبا احزاب را برای ما به نمایش می‌گذارد:

«وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا»^۱

منافقین و آنهایی که فی قلوبهم مرض بود می‌گفتند وعده خدا و پیامبر به شما دروغ و فریب بوده است.

قرآن در آیه ۳۱ احزاب به وارونه کردن حقیقت اشاره می‌کند:

«وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا»^۲

ای اهل مدینه برگردید چون دیگر نمی‌توانید مقاومت کنید و اینجا بمانید؛ دشمن قدرتمندی در مقابل شماست.

این حرف‌ها برای شما دوستان آشنا نیست؟ یک عده غیر خودی و حتی دوستان خودی ناخواسته می‌گویند: «بابا این انقلاب دیگه عمرش تموم شد. اصلاً همون زمان شاه خوب بود. مردم خسته شده‌اند. اوضاع خیلی بحرانیه و دیگه کسی همراه انقلاب اسلامی نیست». این حرف‌ها دقیقاً همان حرف‌هایی است که در مدینه می‌زدند.

جنگ شناختی در انقلاب اسلامی

برای اینکه برای شما روشن شود و ببینید شرایط ما و دشمنان ما الآن چگونه است و دشمن چگونه ما را دچار جنگ شناختی کرده خوب به عرایض بنده و آماری که خدمتتان ارائه می‌دهم توجه کنید.

در حال حاضر این بحث بین مردم جامعه دهان‌به‌دهان می‌چرخد که جوامع غربی پیشرفته‌اند و ما باید سبک و الگوی مدیریتی آنها را در جامعه پیاده کنیم تا وضعیت مملکتمان اصلاح بشود. مهم‌تر اینکه تصور ما این است که آمریکا که یکی از ابرقدرت‌های اقتصادی دنیا است و ما را تحریم کرده خودش وضعیت خوبی دارد و وضعیت اقتصادی ما دچار بیماری مزمن است. این تصویری است که برای ما به وجود آمده، اما واقعیت چیست؟ گوشه‌ای از واقعیت را در این آمار ببینید.

به گزارش شورای اطلاعات ملی آمریکا سال ۲۰۳۰ سال پایان ابرقدرتی آمریکا خواهد بود.^۳

مایکل مور کارگردان فیلم فانه‌هایت می‌گوید: احتمالاً ترامپ آخرین رئیس‌جمهور آمریکا باشد.^۴

خود ترامپ در کتاب خودش به نام امریکای چلاق (زمین‌گیر) می‌گوید: طبق آمار آمریکا فلج شده است.

مواردی از این قبیل زیاد است. من فقط در حوزه اقتصاد و امید به زندگی وضعیت آمریکا را خدمتتان توصیف می‌کنم.

وضعیت زندگی مردم آمریکا در حوزه اقتصاد

این کشور ۳۰۰ میلیونی بیش از ۴۵ میلیون نفر فقیر مطلق دارد.^۵

در این کشور ۱۵۰ میلیون نفر فقیر دائمی و در آستانه فقر زندگی می‌کنند.^۶

سه میلیون و نیم بی‌خانمان در این کشور وجود دارد.^۷ چنین کشوری با این همه بدهی خارجی سعی می‌کند به ما القاء کند شما در معرض نابودی هستید.

۱ احزاب، آیه ۱۲.

۲ احزاب، آیه ۱۳.

۳ سایت پایداری ملی، پایگاه اطلاع رسانی پدافند غیر عامل.

۴ سایت ایرنا به نقل از تارنمای هیل.

۵ سخنرانی ترامپ در نشست مشترک کنگره سال ۲۰۱۷.

۶ جنگ بر سر ثروت، ص ۱۷۵

۷ اطلاعات بیشتر از سایت us news.com.

پدیده‌های به نام فروش پلاسمای خون در آمریکا

یکی از مسائل رایج در بین شهروندان آمریکایی فروش پلاسمای خون است. صف‌های ممتدی در برخی مراکز بهداشتی برای این کار وجود دارد. چیزی که حتی یک مورد هم ما در جمهوری اسلامی ایران نمی‌بینیم.

فروش پلاسمای خون دیگر چیست؟ معلمی آمریکائی با مدرک کارشناسی ارشد با ۱۶ سال سابقه تدریس و داشتن دو شغل دیگر طبیعتاً باید زندگی مرفه‌ای داشته باشد اما با کمال تعجب این معلم خودش اقرار می‌کند که برای گذران زندگی مجبورم هفته‌ای دو بار پلاسمای خونم را بفروشم؛ آن هم به قیمت ناچیز ۶۰ دلار تا بتوانم اندکی از هزینه‌های زندگی را بپردازم.^۱

مردم آمریکا و امید به زندگی

بعد از تصادف، خودکشی دومین عامل مرگ‌ومیر در امریکاست.

طبق تحلیل موسسه CDC در سال ۲۰۱۷ در آمریکا ۴۰ هزار نفر بر اساس شلیک گلوله کشته شده‌اند یعنی روزانه حدود ۱۰۹ نفر.^۲

این حال کشوری است با ۲۴۰ سال سابقه که ۷۰ کشور جهان با حدود ۷۰ درصد جمعیت جهان را در تحریم مالی خودش دارد.^۳

کشور ما ایران

شاید بعضی بگویند حاج آقا شما از مشکلات آنها گفتید قبول، ولی ما در داخل کشور خودمان مشکل نداریم؟ «همه چی آرومه؟ ما چقدر خوشبختیم؟»

این همه گرفتاری، این همه فقر و فساد، این همه تورم بی‌سابقه، این همه اختلاس و بیکاری و بی‌خانمانی ... این وضعیت بانکی و وام‌های پرسود کمرشکن ... این وضعیت حقوق‌های نجومی و ... به آمریکا چه کار داری بیا به درد خودمان برس، بیا مشکلات خودمان را حل کن.

آهان! همین مطالب درستی که شما گفتید خودش نشانه جنگ شناختی است؛ این حرف‌ها و این گفتمانی که درست هم هست اما تضعیف‌کننده است. ما داریم حرف‌های دشمن شادکن می‌زنیم. یادتان هست در مورد جنگ احزاب چه گفتیم؟ گفتیم وقتی دشمن به نقطه‌ای می‌رسد که خودش در مرز ازهم‌پاشیدگی است به جنگ شناختی روی می‌آورد. در احزاب وقتی دشمن رو به تزلزل رفت کاری کردند که مسلمانان و جبهه حق بین خودشان حرف از ناامیدی و مشکلات بزنند و در نتیجه صحنه جنگ عوض شود.

«واذ قالت طائفه منهم یا اهل یثرب لا مقام لکم فارجعوا»؛ ای اهل مدینه برگردید (و صحنه جنگ را رها کنید) چون شما دیگر نمی‌توانید مقاومت کنید و اینجا بمانید. دشمن قدرتمندی در مقابل شماست (و شما ضعیف هستید).

اوضاع فشل آمریکا را دیدید؟ در این شرایط دشمن مملکت ما را ویرانه نشان می‌دهد درحالی‌که خودش دارد ویران می‌شود. الآن واقعاً عده‌ای هستند که می‌گویند شما می‌خواهید مقابل آمریکا بایستید؟ و باورشان این است که این کار بازی با دم شیر است و اساساً اشتباه. معتقدند باید با آمریکا کنار بیاییم. این نوع تفکر نتیجه جنگ شناختی دشمن است.

اجازه بدهید آماری هم از کشور تحریم شونده یعنی جمهوری اسلامی ایران خدمتتان عرض کنم که نه مثل آمریکا کسی را تحریم کرده، نه استعمار و این ۴۰ سال هم مورد حمله‌های مختلف بوده و الآن در بدترین شرایط تحریم قرار دارد؛ طبیعتاً آمارش باید نگران‌کننده و ضعیف باشد اما این‌طور نیست.

بله. فسادهایی وجود دارد. ما هم قبول داریم حتی یک مورد فساد هم در حکومت اسلامی زیاد است. این فسادهای ادارات ما در برخی از قضات ما هست. تبعیض‌ها وجود دارد. آیا این عدالت علوی است؟ قطعاً نه. ما تا عدالت علوی فاصله‌ها داریم. مقام معظم رهبری هم فرمودند: ما البته در تحقق بعضی از این شعارها انصافاً عقبیم. ما در مورد عدالت اجتماعی عقبیم، در مورد تحقق برخی از مبانی و اصول

۱ مانیفست فقر، ص ۱۹۰.

اسلامی عقب‌ماندگی داریم؛ این را انکار نمی‌کنیم، اما همت ما، هدف ما، آرمان ما همین است که امام بزرگوار معین کرد و ما دنبال این آرمان‌ها حرکت می‌کنیم.

بله رفقای عزیز، کشور ما با همه مشکلاتی که در زمینه عدالت دارد، با این اوضاع بی‌ریخت اقتصادی که با تصویرسازی غلط دشمن بسیار بدتر هم به چشم می‌آید، از بسیاری از کشورها بهتر است. ما در بین ۱۸۰ کشور دنیا در تمام زمینه‌ها و مؤلفه‌های زندگی دنیا در بین ۲۰ کشور برتر دنیا قرار داریم. کافی است به گزارش‌های مراکز بین‌المللی که وضعیت کشورها را مطالعه می‌کنند سری بزنید تا به مطالب محیرالعقولی برسید که اصلاً برای مردم بیان نمی‌شود.

همین صداوسیما و سینمای ما که این قدر به آن انتقاد داریم با این همه بدحجابی و بی‌حیایی (این حجاب و حیا کجا حجاب و حیایی که فاطمه زهرا علیها السلام دارد کجا؟) عقیف‌ترین سینمای جهان است. با همه مشکلاتی که دارد از همه دنیا اسلامی‌تر است. اصلاً کشور دیگری را می‌شناسید که مجری‌های خانم با حجاب و چادر جلوی دوربین ظاهر شوند؟ کدام کشور دنیا را می‌شناسید که بیشتر از همه روزه‌بگیر و نمازخوان داشته باشد؟ کدام کشور را سراغ دارید که این همه عزادار و گریه‌کن فاطمه زهرا و اباعبدالله علیه السلام داشته باشد؟ با آرمان فاصله داریم، مشکلات هم هست اما در دنیا بهترین هستیم. در این مطلب شک نکنید. کسانی که شک کنند یعنی در جنگ شناختی باخته‌اند. دشمن در جنگ شناختی جوری به ما القاء می‌کند که فکر کنیم و باور کنیم عقب‌مانده‌ترین کشور دنیا هستیم درحالی که وضعیت خود دشمن بحرانی‌تر از وضعیت ماست. نکته اصلی این است.

مثال بوکس

پس حاج‌آقا این همه خرابی از کجا می‌آید و این همه مشکلات برای چیست؟ اجازه بدهید برای پاسخ به این سؤال که ممکن است در ذهن برخی از شما هم باشد تشبیهی عرض کنم. باید بدانید که در فضای مبارزه و جنگ آنچه مهم است، نتیجه پایانی است. در یک مبارزه مثل مسابقه بوکس دو نفر باهم درگیر می‌شوند در پایان مسابقه دست کسی که برنده شده است را به‌عنوان فرد پیروز بالا می‌برند این در حالی است که خودش هم ضربه خورده است، صورتش زخمی شده و کاملاً خسته و خونین است، یک هفته هم باید در بستر بخوابد و تحت درمان باشد اما به‌رحال او پیروز شده است. امروز جبهه حق خسارت‌هایی هم دیده، مثل خود کوثر که پهلویش شکست و صورتش کبود شد اما این طبیعت مبارزه است؛ مهم، پیروزی نهائی است. الآن وضعیت سوریه را ببینید. اگر به شما بگویند سوریه ویرانه است یا آباد چه جوابی می‌دهید؟ قطعاً بخش بزرگی از آن ویرانه است و خیلی خسارت دیده است؛ اما سوریه پیروز شده است یا داعش و آمریکا؟ قطعاً سوریه پیروز شده است.

در تهاجم فرهنگی، دشمن ۲۰ سال به ما حمله کرد؛ بودجه‌های بسیاری صرف کرد؛ این همه شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان علیه ما راه انداخت؛ این همه مد لباس، این همه فیلم و سایت؛ گروه‌ها و باندهای فساد را تجهیز کرد که همه جوانه‌ای ایران را فاسد کند و دیگر کسی به حجاب و انقلاب و اهل‌بیت عقیده نداشته باشد. البته تلفات بسیاری گرفت اما این همه حافظ قرآن، این همه جوان و نوجوان معتکف و پدیده اربعین از کجا به وجود آمد؟ این همه شهید مدافع حرم که نسل سوم انقلاب هستند، این همه شلوغی مجالس اهل‌بیت در محرم و رمضان و فاطمیه از کجا آمده است؟ پس ما پیروزیم و آن که شکست خورده دشمن است.

اگر کسی تصور کند که ما در فرهنگ، در سیاست، در عدالت و ... شکست خورده‌ایم خودش دچار حمله شناختی شده است. این مشکلات مالی و اداری و سیاسی که دیده می‌شود حقیقت غیرقابل‌انکاری است که در همه جنگ‌ها وجود دارد. قطعاً همه چیز گل و بلبل نیست و این به خاطر شرایط جنگی است که ما در آن قرار داریم. به‌قول معروف در دعوا حلوا خیرات نمی‌کنند اما در کشور جنگ‌زده مورد تحریمی مثل ایران آن هم در شرایط جنگ احزاب این مقدار پیشرفت چیزی شبیه معجزه است.

بیان مقام معظم رهبری

ما در این ۳۷، ۳۸ سالی که از اول انقلاب گذشته است، خوب پیش رفتیم. واقعاً اگر کسی با چشم انصاف نگاه کند، ایران وابسته عقب‌افتاده گمنام ذلیل زیر دست و پای آمریکا و انگلیس، امروز جوری شده است که آمریکا و انگلیس و بقیه می‌آیند صف می‌بندند برای اینکه

امکانات موجود جمهوری اسلامی در منطقه را بلکه بتوانند به نحوی مصادره کنند، و نمی‌توانند؛ یعنی این جور گسترش پیدا کرده است عزت اسلامی و عزت نظام اسلامی و ایران اسلامی که آنهایی که با چشم تحقیر نگاه می‌کردند به ملت‌ها و از جمله به ملت ایران - مثل دوران طاغوت - امروز مجبورند مثل یک هم‌اورد قدرتمند با او مواجه بشوند. این پیشرفت عمومی ملت است. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم، در مسائل گوناگون مورد نظر اسلام پیشرفت کردیم. از لحاظ عدالت اجتماعی هم امروز با گذشته، زمین تا آسمان فرق کرده است؛ البته تا آن عدالت اسلامی خیلی فاصله داریم، تا عدالت مطلوب خیلی فاصله داریم. امروز متأسفانه همچنان نشانه‌های اشرافی‌گری و تجملات و بعضی از انحرافات گوناگون در جامعه ما کم نیست اما وقتی نسبت به قبل از انقلاب ملاحظه بکنیم - حالا شما جوان‌ها که قبل از انقلاب را ندیدید؛ ما و آنهایی که دیدیم قبل از انقلاب را - پیشرفت ملت ایران و کشور اسلامی نسبت به آن وقت، پیشرفت بسیار برجسته‌ای است.^۱

عاقبت کسی که گرفتار جنگ شناختی دشمن بشود چیست؟

کسی که فریب جنگ شناختی دشمن را بخورد کارش به جایی می‌رسد که می‌گوید: «این ولایت‌فقیه به درد نمی‌خورد، اگر خوب بود می‌توانست برای مردم کاری بکند». کسی که در این جنگ بی‌بازد ناخواسته حرف دشمن را می‌زند و می‌گوید: «اصلاً از اولش هم اشتباه کردیم انقلاب کردیم. کسانی که با آمریکا بودند الآن وضعشان خوب شده». همین وضعیت در مدینه اتفاق افتاد و آنها که با پیامبر بودند در ادامه مسیر علی را همراهی نکردند و باعث شدند مدل حکومتی دین در جامعه پیاده نشود.



سرهای تراشیده

پس از شهادت رسول خدا ﷺ در صفر سال یازدهم هجری، عده‌ای برخلاف بیعتی که با ایشان و امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام در غدیر خم کرده بودند، خلافت را از مسیر اصلی خود خارج کردند. اهل بیت رسول خدا علیهم السلام روش‌های مختلفی را برای نشان دادن مخالفت خود با غاصبان خلافت به کار گرفتند. یکی از روش‌ها دیدارهای شبانه با انصار رسول خدا علیهم السلام و یاری خواستن از آنها برای برگرداندن خلافت به مسیر اصلی خود و جلوگیری از یک انحراف بزرگ بود. در این دیدارها امیرالمؤمنین علیه السلام، به همراه حضرت زهرا علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام حضور داشتند.

سلمان فارسی می‌گوید: وقتی شب می‌شد علی علیه السلام حضرت زهرا علیها السلام را سوار بر چهارپایی نمود و دست دو پسرش امام حسن و امام حسین علیهما السلام را گرفت، و هیچ یک از اهل بدر از مهاجرین و انصار را باقی نگذاشت مگر آنکه به خانه‌هایشان آمد و حق خود را برایشان یادآور شد و آنان را برای یاری خویش فراخواند. ولی جز چهل و چهار نفر، کسی از آنان دعوت او را قبول نکرد. حضرت به آنان دستور داد هنگام صبح با سرهای تراشیده و درحالی که اسلحه‌شان را به همراه دارند بیایند و با او بیعت کنند که تا سر حد مرگ استوار بمانند. وقتی صبح شد جز چهار نفر کسی از آنان نزد او نیامد. (سلیم می‌گوید: به سلمان گفتم: چهار نفر چه کسانی بودند؟ گفت: من و ابوذر و مقداد و زبیر بن عوام. امیرالمؤمنین علیه السلام در شب بعد هم نزد آنان رفت و آنان را قسم داد. گفتند: «صبح نزد تو می‌آییم». ولی هیچ یک از آنان غیر از ما نزد او نیامد. در شب سوم هم نزد آنان رفت ولی غیر از ما کسی نیامد.

در روایت دیگری آمده است که شب‌هنگام علی علیه السلام حضرت زهرا علیها السلام بر چهارپایی سوار کرد و دست دو پسرش امام حسن و امام حسین علیهما السلام را گرفت، و احدی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را باقی نگذاشت مگر آنکه در منزلشان نزد آنان رفت، و حق خود را برای

۱ ۱۱/۰۵/۱۳۹۵ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم.

آنان یادآور شد و آنان را به یاری خویش فراخواند. ولی هیچ کس جز ما چهار نفر او را اجابت نکرد. ما سرهایمان را تراشیدیم و یاری خود را مبذول داشتیم.^۱

خوب. ببینید اگر فقط ۴۰ نفر می آمدند، سرها را می تراشیدند و به دفاع از حضرت حاضر می شدند ورق برمی گشت. مردم شروع می کردند به حرف زدن، ابهت رعب و وحشتی که غاصبین خلافت راه انداخته بودند می شکست و بسیاری از افراد جرئت اظهارنظر پیدا می کردند. مردم می گفتند: خبر دارید امروز صبح یک گروه با سرهای تراشیده به حمایت از علی و فاطمه آمده اند؟ مثل اینکه خطبه های فاطمه روی مردم اثر گذاشته! نکند اینها که ادعای خلافت می کنند دروغ میگویند و حق با زهرا است؟ یواش یواش گفتمان دفاع از علی راه میفتاد و مردم به حمایت از دختر پیامبر جمع می شدند؛ اما جنگ شناختی و فضای روانی در مدینه طوری بود که فقط ۴ نفر به حمایت از امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند. تاریخ مسیرش منحرف شد و مدل حکومتی اسلام آن طور که رسول خدا می خواست پیاده نشد. الآن هم اگر ما دقت نکنیم و مقهور جنگ شناختی دشمن بشویم و هر حرفی را باور کنیم تمامیت شرعی و قانونی و کارآمدی نظام زیر سؤال می رود و می شود همان چیزی که دشمن می خواهد.

مناجات با حضرت زهرا سلام الله

رفقا، امشب آمده ایم برای حضرت زهرا عزاداری کنیم. بیایید به خود بی بی فاطمه زهرا التماس کنیم، اصلاً بیایید خودمانی تر با حضرت صحبت کنیم و بگوییم مادر جان ما بچه شیعه ها خودمان را فرزند شما می دانیم، فرزند هر چه قدر هم بد باشد باز مادر دوستش دارد. مادر جان، دشمن بدجور کار می کند و همه نیروهایش را جمع کرده تا ما را زمین بزند؛ خودت دست ما را بگیر. می ترسیم اگر دستمان را نگیری نتوانیم مقابله کنیم؛ ما که جز شما کسی را نداریم.

رفقا، بیایید امشب التماس کنیم، ضجه بزنییم و بگوییم: مادر جان نکند شیطان ما را هم فریب بدهد، نکند فریب جنگ روانی دشمن را بخوریم، نکند ما هم مثل بزرگان انصار و مهاجر جلوی ولی بایستیم، نکند ما هم جزء ملعونین هر دو دنیا بشویم! امشب التماس کنیم: خانم جان، می ترسیم از روزی که ببینیم علی تنها شده و ما هم از ترس هیچ کاری نکنیم.

اخوی، به خودت مطمئن هستی که اگر مدینه بودی سرت را می تراشیدی و برای دفاع از علی می آمدی؟ نکند ما هم امروز در دفاع از ولایت بترسیم و لال و بشویم و سکوت کنیم؟

مادر، خودت دست بچه های ما را بگیر، خودت هوای ما را داشته باش در این دوره آخرالزمان سربلند از امتحان بیرون بیاییم. نکند ما هم مثل آن ۴۰ نفر پشت ولایت را خالی کنیم. ما جز در خانه شما کجا را داریم؟

رشته مهر دل ما همه در دست شماست
کشور ما به خدا خانه دریست شماست
هرچه تهدید و یا هرچه که تحریم شویم
به خداوند محال است که تسلیم شویم

کسانی که در مقابل جنگ شناختی دشمن ایستادگی می کنند و حرفها و بلندگوهای تخریب کننده جبهه اسلام روی ایشان اثر ندارد همیشه امیدوار هستند و وعده های رهبران را قبول می کنند و پیروزی را نزدیک می بینند.

پیامبر و فتح نزدیک

فتح جنگ احزاب به دست علی علیه السلام اتفاق افتاد و کشتن عمرو بن عبدود و نوفل بن عبدالله به دست او سبب گریختن مشرکین شد. پس از کشته شدن اینها به دست علی علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله برای یارانشان آینده روشنی را ترسیم کردند و فرمودند: «بَعْدَ قَتْلِهِ هَؤُلَاءِ النَّفَرِ الْآنَ نَغْزُوهُمْ وَ لَا يَغْزُونَنَا»؛ بعد از کشتن آن افراد ما به جنگ ایشان خواهیم رفت ولی آنها دیگر به جنگ ما نخواهند آمد.^۲

حضرت آیت الله امام خامنه ای توصیف بسیار زیبایی درباره جنگ احزاب دارند و می فرمایند:

آخرین جنگی که آنها سراغ پیغمبر آمدند، جنگ خندق - یکی از آن جنگ های بسیار مهم - بود. همه نیرویشان را جمع کردند و از دیگران هم کمک گرفتند و گفتند می رویم پیغمبر و دویست نفر، سیصد نفر، پانصد نفر از یاران نزدیک او را قتل عام می کنیم؛ مدینه را هم غارت می کنیم و آسوده برمی گردیم؛ دیگر هیچ اثری از اینها نخواهد ماند. قبل از آن که اینها به مدینه برسند، پیغمبر اکرم از قضایا

۱ اسرار آل محمد علیهم السلام، سلیم بن قیس هلالی، مترجم اسماعیل انصاری زنجان، ناشر الهادی، قم، سال چاپ: ۱۴۱۶ ق، چاپ اول

۲ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۰۶ به نقل از صحیح البخاری ۵: ۱۴۱، مسند احمد ۴: ۲۶۲، ۶: ۳۹۴، مجمع البیان ۸: ۳۴۵، و نقله العلامة المجلسی فی البحار ۲۰: ۲۵۸.

مطلع شد و آن خندق معروف را کند. یک طرف مدینه قابل نفوذ بود؛ لذا در آنجا خندقی تقریباً به عرض چهل متر کردند. ماه رمضان بود. طبق بعضی از روایات، هوا بسیار سرد بود؛ آن سال بارندگی هم نشده بود و مردم درآمدی نداشتند؛ لذا مشکلات فراوانی وجود داشت. سخت‌تر از همه، پیغمبر کار کرد. در کندن خندق، هر جا دید کسی خسته شده و گیر کرده و نمی‌تواند پیش برود، پیغمبر می‌رفت کلنگ را از او می‌گرفت و بنا می‌کرد به کار کردن؛ یعنی فقط با دستور حضور نداشت؛ با تن خود در وسط جمعیت حضور داشت. کفار، مقابل خندق آمدند، اما دیدند نمی‌توانند؛ لذا شکسته و مفتضح و مأیوس و ناکام مجبور شدند برگردند. پیغمبر فرمود تمام شد؛ این آخرین حمله قریش مکه به ماست. از حالا دیگر نوبت ماست؛ ما به طرف مکه و به سراغ آنها می‌رویم.^۱

مقام معظم رهبری و فتح نزدیک

حضرت آقا هم موضعی شبیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفتند و اولاً خیلی قاطع فرمودند: جنگ نخواهد شد، مذاکره نخواهیم کرد. دوما در جایی دیگر فرمودند:

آینده بسیار روشنی پیش روی ماست که به سمت آن در حرکتیم؛ آینده‌ای که ملت ایران خواهد توانست به برکت اسلام و نظام اسلامی، هم عدالت اجتماعی و رفاه مادی داشته باشد و هم به استقلال کامل دست یابد. از روز اول پیروزی انقلاب، ما به سمت این آینده حرکت کرده‌ایم و به اعتقاد من، قسمت‌های سخت‌ترش را پشت سر گذاشته‌ایم. نمی‌گوییم بدون تحمل زحمت می‌شود به آن آینده رسید؛ اما می‌گوییم با حفظ وحدت و ایمان و انگیزه و ادامه حرکت، می‌توان به آن دست یافت. عمده این است که ما یاد و راه و هدف‌های امام رحمته الله علیه را همیشه در خاطر داشته باشیم و آنها را حفظ کنیم.^۲

چنین نگاهی پر از شور و حماسه و عشق است. پر از شوق کار و تلاش است چرا که این مسیر مسیر پر بهجتی است که در طول تاریخ یک جبهه را نشان می‌دهد و به یک هدف منتهی می‌گردد. ببینید حضرت علی رضی الله عنه در این زمینه چه می‌فرمایند:

روایت نهج البلاغه

پس از پیروزی در جنگ بصره در سال ۳۶ هجری یکی از یاران امام رضی الله عنه گفت: دوست داشتم برادرم با ما بود و می‌دید که چگونه خدا تو را بر دشمنانت پیروز کرد!

وَقَدْ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ وَدِدْتُ أَنْ أَخِي فَلَانًا كَانَ شَاهِدَنَا لِيرِي مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَى أَعْدَائِكَ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ رضی الله عنه: أَاهْوَى أَخِيكَ مَعَنَا؟ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدْ شَهِدْنَا وَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ سَيَّرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَ يَقْوَى بِهِمُ الْإِيمَانُ.^۳ امام رضی الله عنه پرسید: آیا فکر و دل برادرت با ما بود؟ گفت: آری. امام رضی الله عنه فرمود: پس او هم در این جنگ با ما بود بلکه با ما در این نبرد شریک‌اند آنهایی که حضور ندارند و در صلب پدران و رحم مادران هستند، ولی با ما هم عقیده و آرمان‌اند، به‌زودی متولد می‌شوند و دین و ایمان به‌وسیله آنان تقویت می‌گردد.

عزیزان، وقتی رهبر ما می‌فرماید امروز شرایط، شرایط جنگ احزاب است طبق این روایت شماهایی که الان در شرایط جنگ احزاب امروز هستید قطعاً در کنار پیامبر در حال مبارزه و دفاع از اسلام هستید. این احزابی که الان با ایران اسلامی در جنگ هستند اتباع همان ملعون‌هایی هستند که در صدر اسلام جلو پیامبر ایستادند. هر کس این باور را داشته باشد قدرت مقاومتش در جنگ شناختی بالا می‌رود. غصه نخوریم که مدینه نبودیم، کربلا نبودیم، طلاییه و شلمچه نبودیم یا حتی سوریه نبودیم، امروز اینجا را نگهداریم در ثواب همه آنها شریک هستیم.

رفقا، اردوگاه دشمن به هم ریخته است. دشمن خودش نتوانست کاری بکند داعش را فرستاد غافل از اینکه جوانان ما درس مقابله با داعش را در کردستان پاس کرده بودند. خون هیچ‌کدام از شهدای ما هدر نرفته، امروز ما قدرت بلامنازع منطقه‌ایم. پوتین یکی از

۱ ۲۸/۰۲/۱۳۸۰ نماز جمعه تهران.

۲ ۱۳۶۸/۴/۷ بیانات در مراسم بیعت مسئولان دستگاه قضایی.

۳ نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۵۵.

شخصیت‌های مهم دنیا، از قلب کمونیسم به ایران می‌آید و یک‌راست نزد رهبرمان ولی خدا می‌رود و با خودش قرآن هدیه می‌آورد! رفقا، خودمان را برای تمدن نوین اسلامی آماده کنیم، لیس للانسان الا ما سعی.

رفقا، خدا به نیت ما نگاه می‌کند؛ خدا به عزم ما نگاه می‌کند؛ خدا به اراده ما نگاه می‌کند؛ خدا به ایمان ما نگاه می‌کند، در این ۴۰ سال هم به خاطر همین‌ها به ما کمک کرده و ما را رشد داده است.

فتح نزدیک است. دقیقاً یک سال بعد از جنگ احزاب، صلح حدیبیه رخ داد. صلح حدیبیه فرصتی برای پیامبر ﷺ عظیم‌الشان اسلام فراهم آورد تا با آسودگی از آزار قریش، اسلام را جهانی کند و دو امپراتوری بزرگ آن زمان یعنی ایران و روم و همچنین حبشه را هدف تعالیم اسلام قرار دهد. عزیزان من، ما هم مثل زمان احزاب پشت این صف‌بندی دشمن، در شرایط جهانی‌سازی اسلام هستیم.

در شرایطی هستیم که به‌زودی بتوانیم بلند فریاد بزنیم: انا فتحنا لک فتحا میبنا. به فرموده حضرت آقا فقط یک بسم الله لازم داریم. حضرت آقا هم دقیقاً مانند وعده پیامبر ﷺ در جنگ احزاب نسبت به فتوحات آینده می‌فرمایند: امروز هم وقتی به خودمان نگاه می‌کنیم، من سرتاپا امیدم. من با جزئیات مسائل کشور آشنایم و ضعف‌ها و پوش‌نوارها و ضعف مدیریت‌ها و ضعف تصمیم‌گیری‌ها را می‌شناسم؛ اما در مقابل آن آن قدر نقاط قوت و رویش‌ها وجود دارد که احساس می‌کنم ما در بسیاری از موارد فقط یک «بسم الله» و یک حرکت لازم داریم. گاهی در همین زمینه‌ها کوتاهی می‌کنیم؛ حرکت نمی‌کنیم یا دیر حرکت می‌کنیم؛ لذا پدیده‌ای پیش می‌آید؛ لیکن در همه زمینه‌ها ما توانایی اقدام و حرکت داریم.^۱



چه کار کنیم اسیر جنگ روانی و شناختی دشمن نشویم؟

اول باید رصد کنیم ببینیم دشمن چه طور در ما نفوذ می‌کند و چه مدلی ضربه می‌زند.

مارک پالمر از استراتژیست‌های معروف آمریکایی است که از او به‌عنوان یکی از نوآوران سیاست خارجی ایالات متحده نام می‌برند. پالمر در دولت‌های نیکسون، کارتر، ریگان و بوش در وزارت خارجه مشغول بوده است. او به‌عنوان نویسنده گزارش ایران-آمریکا، رهیافت جدید، در استدلال خود صراحتاً با ایده تهاجم نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران مخالفت کرده و اعلام نموده ایران به لحاظ وسعت سرزمینی، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل به قدرتی کم‌مانند تبدیل شده که دیگر نمی‌توان با یورش نظامی و جنگ سخت آن را سرنگون کرد. تنها راه مبارزه با نظام جمهوری اسلامی، پیگیری مکانیسم‌های جنگ نرم و استفاده از تکنیک‌های عملیات روانی تبلیغاتی با استفاده از سه تاکتیک دکترین "مه‌ار"، "نبرد رسانه‌ای" و "ساماندهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی" است.

در پایان این گزارش با منتفی دانستن هرگونه گفت‌وگو و مذاکره مستقیم با مقامات ایرانی آمده است: "گفتگو فقط حکومت ایران را تقویت و محکم می‌کند. باید از طریق انزوا و تقویت مخالفان داخل و خارج حکومت در جهت تغییر این رژیم تلاش کرد".

بنا بر این گزارش بزرگ‌ترین ارتشی که آمریکا در جنگ شناختی علیه ما راه انداخته است ارتش فضای مجازی و رسانه‌ای است. نفوذ و تأثیرگذاری منفی در جمهوری اسلامی الان از طریق فضای مجازی در حال رقم خوردن است.

راهکاری که می‌خواهم به شما ارائه بدهم همان راهکاری هست که مسلمانان در جنگ احزاب استفاده کردند و پیروز شدند؛ راهی که اگر ما هم استفاده کنیم دیگر جنگ دشمن کارساز نخواهد بود. مسلمانان عصر پیامبر دشمن را دقیق رصد کردند و راه نفوذش را با خندق بستند؛ الان هم ما نیازمند خندق مجازی هستیم.

حمله شیمیایی دشمن

شناخت فضای مجازی از نگاه مقام معظم رهبری که در این زمینه کارشناس هستند بسیار مهم است. تعبیر ایشان از فضای مجازی حمله و بمب شیمیایی است:

۱ بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما - ۱۱/۰۹/۱۳۸۳.

نکته اول این است که فعلاً دشمن از ابزار رسانه استفاده می‌کند برای اثرگذاری بر افکار عمومی. توجه کنید! ابزار رسانه، ابزاری مهم و اگر دست دشمن باشد، ابزار خطرناکی است. ابزار رسانه را تشبیه می‌کنند به سلاح‌های شیمیایی در جنگ نظامی. سلاح شیمیایی را وقتی می‌زنند، سلاح شیمیایی تانک و تجهیزات را از بین نمی‌برد؛ تجهیزات می‌ماند و انسان‌ها از بین می‌روند و از قدرت استفاده از ابزار می‌افتند؛ سلاح شیمیایی در جنگ نظامی این‌جوری است؛ ابزار رسانه هم این‌جور است. امروز از تلویزیون، از رادیو، از اینترنت، از شبکه‌های اجتماعی، از انواع و اقسام وسایل فضای مجازی، علیه افکار عمومی ما استفاده می‌شود؛ این را کسانی که مسئولیت این بخش از کشور را -بخش ارتباطات را- دارند، درست توجه کنند. ما در جلسات حضوری هم به اینها تذکر داده‌ایم، تأکید کرده‌ایم، حالا هم می‌گوییم؛ توجه کنند که آنها ابزاری نشوند برای اینکه دشمن راحت بتواند سلاح شیمیایی خودش را علیه این مردم به کار ببرد. وظیفه خودشان را بدانند و با جدیت عمل کنند.^۱

جالب این است که معمولاً وقتی دشمن از همه‌جا ناامید می‌شود و از جنگ برابر نتیجه نمی‌گیرد، از روش‌های غیرانسانی و ناجوانمردانه مثل سلاح شیمیایی استفاده می‌کند که بسیار مرگبار است و به‌صورت جمعی تلفات می‌گیرد.

خندق مجازی

رهبر ما که در واقع یک کارشناس فضای مجازی است تعبیر بمب شیمیایی را به کار می‌برد. باید به این تشبیه دقت کرد. بمب شیمیایی نفوذش در همه خانه‌ها و محله‌هاست و برای رسیدن به مخاطب از او اجازه نمی‌گیرد و چون گاز است خیلی‌ها وقتی مطلع می‌شوند که آلوده شده‌اند و دیگر نمی‌شود کاری کرد. در برابر بمب شیمیایی باید ماسک زد.

اگر کسی بدون ماسک داخل فضای مجازی برود حتماً آلوده می‌شود. فضای اینترنت خیلی آلوده است نه اینکه فکر کنید منظور ما فقط آلودگی‌های جنسی است که البته آن هم هست اما مهم‌تر از آن این است که در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با انتشار اخبار و تحلیل‌های مختلف اذهان ما را طوری که می‌خواهند کنترل و جهت‌دهی می‌کنند. در واقع ماسک‌ها در شبکه مجازی برای ما حکم خندق را دارند و دو مدل هستند:

خودتان مراقب حضورتان در فضای مجازی باشید تا آسیب نبینید؛ یعنی اولاً در پیام‌رسان‌های داخلی حضور پیدا کنید و کمتر از پیام‌رسان‌های خارجی استفاده کنید. ثانیاً لحظاتی را که در فضای مجازی هستید مطمئن باشید هر لحظه ممکن است در تیررس دشمن قرار بگیرید و دشمن شما را ترور کند؛ با تصویر نادرست یا با فیلم نادرست یا با مطلب غیر واقعی نادرست که همه اینها به نحوی روی شما و خانواده‌تان تأثیر سوء می‌گذارد.

ماسک اجتماعی:

در این رابطه سفارش امام خامنه‌ای برای ایجاد ماسک اجتماعی این است:

مهم‌ترین راهبرد مقابله با هجمه دشمنان در فضای مجازی استقلال در فضای مجازی است بر اساس قواعد مسلم و خدشه‌ناپذیر اسلامی مانند قاعده نفی سبیل (بر اساس آیه شریفه ۱۴۱ نساء *ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً* و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند) ثابت می‌شود که باید هرچه سریع‌تر استقلال در فضای مجازی را مطالبه کرده و به دست آوریم. استقلال در فضای مجازی می‌تواند پیام‌آور انقلابی جهانی علیه استکبار رسانه‌ای مستکبران عالم باشد. وقتی انقلاب اسلامی ما به دست هیئتی‌ها و مسجدی‌ها به پیروزی رسید وقتی جنگ تحمیلی با حضور جوانان هیئتی و مسجدی به پیروزی رسید انقلاب و استقلال در فضای مجازی هم باید به دست شما هیئتی‌ها و مسجدی‌ها باشد.

۱ دیدار با بسیجیان، ورزشگاه آزادی ۱۲ مهر ۹۷.

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

همین مسئله مهندسی اطلاعات، این ابزارهای جدیدی که وارد میدان شده است، اینها همه ابزارهایی هستند برای تسلط بر فرهنگ یک کشور. بنده با این حرف نمی‌خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، اینها ابزارهایی هستند که می‌توانند مفید واقع بشوند اما سلطه دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد. نمی‌توانید شما برای اینکه مثلاً فرض بفرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو تلویزیوتان را بدهید در اختیار دشمن؛ اینترنت هم همین جور است، فضای مجازی هم همین جور است، دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین جور است، اینها را نمی‌شود در اختیار دشمن قرار داد؛ امروز در اختیار دشمن است؛ وسیله و ابزار نفوذ فرهنگی است؛ ابزار سلطه فرهنگی دشمن است.



حضرت زهرا علیها السلام هم ابتدا سد نفوذ از دشمن کرد و جسم خودش را خندق قرار داد. دید دشمن دارد نفوذ می‌کند به حریم ولایت، بیدار و بصیر و آگاه بود می‌دانست اگر الآن خودش را فدای ولایت نکند دیگر هیچ‌چیز از اسلام نمی‌ماند، خودش را سپر ولایت و خانه علی کرد؛ اما نامردها از این خندق با لگد عبور کردند. گاهی باید همه هستی‌ات را برای ولایت بدهی اما سختی ما کجا سختی بی‌بی کجا؟! اشک از دیده خون‌بار بیفتد سخت است هر کجا بستر بیمار بیفتد سخت است این روزها در مدینه مادر جوان در بستر افتاده. خدای ناکرده وقتی مادر خانه مریض بشود و در بستر بیفتد اوضاع خانه به هم می‌ریزد. همه دعا می‌کنند مادر هرچه زودتر خوب بشود و بسترش از خانه جمع بشود.

اوج این واقعه را جان علی می‌داند خانم خانه که از کار بیفتد سخت است جوری از کار افتاد که برای بلند شدن یک دست به دیوار می‌گیرد و یک دست به پهلو. جوری از کار افتاد که برای راه رفتن یک دست به دیوار می‌گیرد. جوری از کار افتاد که به سختی می‌تواند شانه را بردارد. به خدا فرق ندارد که کجا، یک مادر... پیش چشم پسر انگار بیفتد سخت است به زمین خوردن مادر به کناری اما... خدا نیاورد که مادرت جلوی چشمانت روی زمین بیفتد. امام حسن دستش در دست مادرش بود که مادرش نقش زمین شد. چه طوری؟ امام صادق فرمودند:

فرفسها برجله؛ با لگد به زهرا زد ثم لطمها؛ سیلی به صورت زهرا زد
مرد باشد، و زنش پشت در خانه او در دل آتش اغیار بیفتد سخت است
سینه‌اش شد سپر شیر خدا، اما حیف کار این سینه به مسمار بیفتد سخت است
مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسین کمپانی می‌گوید: «و لست ادری خبر المسمار؛ من چه می‌دانم قصه میخ در چه بوده» اگر می‌خواهی بفهمی برو از زهرا بپرس. تا در به بدن زهرا خورد
«و نبع الدم من صدرها و ثدیها»

امام زمان معذرت می‌خواهم، سادات مرا بیخشید؛ خون از سینه زهرا جوشید.

دو نفر صورت روی این سینه زخمی گذاشتند: یکی امیر المومنین؛ کنار بستر زهرا نشست، اشک در چشم‌های علی حلقه زده، «ضم رأسها علی صدره» صورت گذاشت روی سینه زخمی زهرا و فرمود: «ابکی مخافه ان تطول حیاتی»^۱.
دومین نفر امام مجتبی بود. آمد کنار مادر، لب‌هایش را گذاشت روی سینه مادر و گفت: «یا اماه کلمینی قبل ان تفارق روحی بدنی»؛
مادر با حسنت حرف بزن روح از تنم جدا شد مادر!

اما عزاداران بی‌بی اینجا سینه زهرا بین در و دیوار زخمی شد اما کسی را سراغ دارم روز عاشورا
«حتی رضوا صدره وظهره»^۲ که استخوان‌های سینه و پشتش زیر سم مرکب‌ها شکسته شد.

هر کجا صدای مرا می‌شنوی ناله بزن یا حسین

اصلاً برای حضرت زهرا نوشته‌اند	ما را گدای حضرت زهرا نوشته‌اند
وقتی گدای حضرت زهرا نوشته‌اند	میلی به پادشاهی عالم نمی‌کنیم
با بچه‌های حضرت زهرا نوشته‌اند	تقدیر و سرنوشت تمامی شیعه را
ما را فدای حضرت زهرا نوشته‌اند	روز الست با قلم شاه اولیا
در روضه‌های حضرت زهرا نوشته‌اند	حتماً زمان مردن ما را بدون شک
در زیر پای حضرت زهرا نوشته‌اند	حتی مکان مردن ما هم مشخص است
ماه عزای حضرت زهرا نوشته‌اند	شکر خدا که بعد محرم دوباره باز

۱ بحار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

۲ لیهوف سید بن طاووس، ص ۱۸۴.

جلسه سوم

انگیزه‌سازی

شمار مشرکان از تمامی قبایل (احزاب) در این جنگ به ده هزار تن رسید که چهار هزار نفرشان همراه با سیصد اسب و ۵۰۰ شتر از قریش و هم‌پیمانان آنها بودند.^۱ به روایتی تعداد آنان را ۲۴۰۰۰ نفر ذکر کرده است. این در حالی است که عده مسلمانان را فقط هفتصد یا نهصد یا هزار تن و یا چنان‌که بیشتر مورخان نوشته‌اند سه هزار تن ذکر کرده‌اند. حفر خندق تا آن زمان در بین عرب رایج نبود و باعث شگفتی مسلمانان و مشرکان شد. طبق پاره‌ای روایات پس از پیشنهاد سلمان خداوند به پیامبر الهام کرد که خندق را حفر کند. پیامبر برای هر ده تن چهل ذراع معین نمود و حفر هر قسمت را به قبیله‌ای واگذار کرد. رسول خدا برای تشویق مسلمانان به حفر خندق، خود نیز در این کار شرکت کرد و برای خندق دره‌ایی قرار داد و از هر قبیله، فردی را مأمور پاسداری از آنها کرد. مسلمانان شبانه به نوبت از خندق محافظت می‌کردند و پیامبر خود نیز در این خصوص مراقب بود. گفته شده است مسلمانان برای حفر خندق ابزارهای زیادی مانند بیل و کلنگ و تیشه و زنبیل، از یهودیان بنی‌قریظه که در آن زمان هم‌پیمان پیامبر بودند، به عاریه گرفتند. در مقابل فشار روانی و نظامی مشرکان از سوی و منافقان و یهودیان از سوی دیگر، پیامبر اکرم با پاره‌ای بشارت‌ها و اخبار غیبی روحیه مسلمانان را تقویت کرد و مزده فتوحات آینده مسلمانان در شام، یمن و ایران را به آنان داد. کندن خندق شش روز طول کشید و بچه‌ها و نوجوانان نیز در حفر آن شرکت کردند. در منابع کهن، طول و عرض و عمق خندق تعیین نشده است و به هر روی، به اندازه‌ای بوده که سوار یا پیاده‌ای نتواند از آن بجهد یا از طرفی پایین رود و از طرف دیگر بیرون آید. بنا به حدس شوقی ابوخلیل،^۲ طول خندق ۵۵۴۴ متر، میانگین عرض آن حدود ۴ متر و میانگین عمق آن حدود ۳ متر بوده است. سه روز پس از آنکه کار حفر خندق به پایان رسید، احزاب متشکل از سه لشکر به فرماندهی کل ابوسفیان بن حرب به مدینه رسیدند. اوج سختی و فشار بر مسلمانان در این جنگ وقتی ظاهر شد که خبر رسید یهودیان بنی‌قریظه که تعهد کرده بودند در صورت وقوع جنگ، نه با پیامبر باشند و نه علیه او، نقض عهد کرده و با مشرکان هم‌پیمان شده‌اند. مسلمانان که از پشت سر خود (داخل مدینه) از جانب بنی‌قریظه در مورد خانواده‌هایشان ایمنی نداشتند و نیز از مقابل، با سپاه انبوه مشرکان که هر چند گاه از قسمت‌های تنگ خندق می‌گذشتند، درگیر می‌شدند، دچار هراس زیادی شدند. مسلمانان روز و شب در سرما و گرسنگی شدید به نوبت از خندق پاسداری می‌کردند.^۳

اتفاق ادره

بیوت عوره

از سوی دیگر گروهی از منافقینی که در مدینه خانه داشتند از پیامبر ﷺ اجازه می‌خواستند که بازگردند و برای بازگشت خود عذرتراشی می‌کردند از جمله می‌گفتند: خانه‌های ما دیوار و در و پیکر درستی ندارد، درحالی‌که چنین نبود، آنها فقط می‌خواستند صحنه را خالی کرده فرار کنند: «وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا».^۴

واژه "عوره" در اصل از ماده "عار" است و به چیزی گفته می‌شود که آشکار ساختنش موجب عار باشد، در اینجا منظور خانه‌هایی است که در و دیوار مطمئنی ندارد و بیم حمله دشمن به آن می‌رود.

۱ مسعودی ص ۵۰.

۲ همان ص ۹۲.

۳ سایت دانشنامه جهان اسلام، لینک: <http://r.chac.ir/article/Details?id=۸۷۹۸>

۴ الأحزاب: ۱۳.

" منافقان " با مطرح ساختن این عذرهای می خواستند میدان جنگ را ترک کرده و به خانه های خود پناه برند. در روایتی آمده است که طایفه " بنی حارثه " کسی را خدمت پیامبر ﷺ فرستادند و گفتند: خانه های ما بدون حفاظ است و هیچ یک از خانه های انصار همچون خانه های ما نیست و میان ما و طایفه " غطفان " که از شرق مدینه هجوم آورده اند حائل و مانعی وجود ندارد، اجازه فرما به خانه های خود بازگردیم و از زنان و فرزندانمان دفاع کنیم، پیامبر ﷺ به آنها اجازه داد.

این موضوع به گوش " سعد بن معاذ "، بزرگ انصار رسید، به پیامبر ﷺ عرض کرد به آنها اجازه نفرما، به خدا سوگند تاکنون هر مشکلی برای ما پیش آمده این گروه همین بهانه را پیش کشیده اند، اینها دروغ می گویند، پیامبر ﷺ دستور داد بازگردند.^۱ آن کسانی که در مدینه در جنگ احزاب کوتاهی کردند و اهل جهاد نبودند عاقبت شدند رئیس جریان سقیفه در مدینه و غصب خلافت. چرا این افراد به این وضعیت می رسند و استقامت نمی کنند؟ چون رفاه طلب و عافیت طلب هستند. عافیت طلبی درد همه اقوام بوده است.

راحت طلبی قوم موسی و استقامت مسلمانان

مکه و بیت المقدس، هر دو سرزمین مقدس اند؛ موسی ﷺ که به قوم خود فرمود: وارد آن شوید و با دشمن بجنگید، بهانه آورده و از فرمان او تخلف کردند، ولی مسلمانان در سال ششم هجری که به قصد عمره در رکاب پیامبر ﷺ تا نزدیکی مکه آمدند، اگر ممانعت آن حضرت نبود، به شهر حمله می کردند. در این سفر، «صلح حدیبیه» واقع شد. آری هر دو قوم به دروازه دو شهر مقدس رسیدند، ولی یکی چنان گریزان از جنگ و یکی چنین سلحشور و مشتاق جنگ.

سستی بنی اسرائیل در مبارزه با دشمن چنان مشهور بود که مسلمانان هنگام ورود به مکه (سال ششم) می گفتند: ما همچون بنی اسرائیل نیستیم که «انا ههنا قاعدون» بگوییم، همواره در رکاب تو آماده جنگیم. تلاش رهبران الهی در انجام وظایفی که بر عهده دارند، تنها در صورت همراهی مردم به ثمر می رسد. بنی اسرائیل، نمونه بی ادبی، بهانه جویی، ضعف و رفاه طلبی و راحت طلبی بودند. جمله «انا ههنا قاعدون»، رفاه طلبی آنان را می رساند، نه عزت جویی را. آرزوی پیروزی بدون کوشش، خردمندانه نیست.

یاران پیامبر برخلاف یاران موسی در جنگ احزاب به استقبال سختی رفتند و با ترک عافیت طلبی و راحت طلبی حماسه آفریدند و با استقامت آنها مقدمات فتوحات بزرگ در تمدن اسلامی رقم خورد.

اگر این گفتمان که «نابرده رنج گنج میسر نمی شود» مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد» در هر امتی رایج شود آن امت موفق می شود و سرانجام آن پیروزی است.

و برعکس کسانی که راحت طلب هستند هیچ گاه روی راحتی را نمی بینند. عزیزان، اساساً دنیا جای راحتی نیست. دنیا برای رنج است عزیز من. پیامبر گرامی اسلام در سخن شریفی فرمودند: چرا از خدا محال تقاضا می کنید؟ گفتند: آقا! ما که محال از خدا تقاضا نمی کنیم! فرمود: بله، محال تقاضا می کنید. مگر شما راحتی نمی خواهید؟ گفتند: خب بله. فرمود: راحتی در دنیا محال است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَصْحَابِهِ أَتَتَمَنُّونَ الْمُسْتَحِيلَ قَالُوا وَمَنْ يَتَمَنَّى الْمُسْتَحِيلَ فَقَالَ أَنْتُمْ أَلَسْتُمْ تَمَنُّونَ الرَّاحَةَ فِي الدُّنْيَا قَالُوا بَلَى فَقَالَ الرَّاحَةُ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا مُسْتَحِيلَةٌ.

مذمت راحت طلبی

در حدیث قدسی دیگری آمده است که خداوند به داوود می فرماید:

أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ يَا دَاوُدُ إِنِّي وَضَعْتُ خَمْسَةَ فِي خَمْسَةٍ - وَ النَّاسُ يُطَلِّبُونَهَا فِي خَمْسَةٍ غَيْرِهَا فَلَا يَجِدُونَهَا؛

۱ وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَالْجَهْدِ وَ هُمْ يُطَلِّبُونَهُ فِي الشَّبَعِ وَالرَّاحَةَ فَلَا يَجِدُونَهُ؛

۲ وَ وَضَعْتُ الْعِزَّ فِي طَاعَتِي - وَ هُمْ يُطَلِّبُونَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ فَلَا يَجِدُونَهُ؛

۱ تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۲۷.

۳ وَ وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ؛

۴ وَ وَضَعْتُ رِضَائِي فِي سَخَطِ النَّفْسِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي رِضَى النَّفْسِ فَلَا يَجِدُونَهُ؛

۵ وَ وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَ هُمْ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا.^۱

خوب با این اوصاف چه طور زندگی کنیم؟ اصلاً رشد ما در زندگی با تحمل و مدیریت رنج است. در نگاه غربی توصیه می‌شود که رنج را حذف کنید یا فراموش کنید که این مستلزم پوچی و یا ظلم به دیگران است.

در نگاه اسلامی توصیه می‌شود به استقبال رنج بروید و آن را مدیریت کنید. اگر چنین کردید رشد می‌کنید و موفق می‌شوید، به دیگران بهره می‌رسانید و خودتان هم بهره می‌برید، برای همین می‌فرماید: لیس للانسان الا ما سعی یعنی هر مقدار سعی و تلاش کنی و رنج را تحمل کنی و کوشش کنی به همان اندازه برای دنیا و آخرت توشه برمی‌داری.

مگر نمی‌فرماید دنیا مزرعه؟ در مزرعه استراحت می‌کنند یا کار می‌کنند؟ مزرعه جای کار است یا استراحت؟ مزرعه جای عرق ریختن و آفتاب خوردن است یا جای خوردن و خوابیدن؟ بنابراین نجات و موفقیت و رشد و آسایش در دنیا و آخرت در گرو کوشش زیاد و دوری از راحت‌طلبی و عافیت‌طلبی است.

مدیریت رنج حضرت زهرا علیها السلام

روایت کرده‌اند که امیرالمؤمنین علیه السلام به مردی از بنی سعد فرمود: آیا نمی‌خواهی از وضع و حال خودم و فاطمه زهرا با تو سخنی بازگویم، (و چنین حکایت فرمود): فاطمه در خانه من بود و به تنهائی آب از چاه می‌کشید و در مشک کرده به دوش می‌گرفت و به خانه می‌آورد چندان که تسمه مشک سینه او را مجروح کرده بود و با آسیاب گندم را آرد می‌کرد به حدی که دست‌هایش تاول زده بود و آن قدر خانه را رفته و روئیده بود که جامه‌اش خاک‌آلود و کثیف شده بود و چندان آتش در زیر دیگ روشن کرده بود که لباس‌هایش چرکین گشته و از این همه کار و زحمت آسیب و فرسودگی فراوان به او رسیده بود. روزی من به او گفتم: چه خوب می‌شد اگر نزد پدرت می‌رفتی و از آن حضرت تقاضای خدمتکاری می‌کردی که تا حدی بار مشقتی را که از این همه کار بر دوش تو است بردارد. فاطمه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و دید جمعی خدمت آن حضرت نشسته و مشغول صحبت هستند، شرمش آمد که خواسته‌اش را بگوید و به منزل بازگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فهمید که دخترش برای کاری آمده بوده ولی خجالت کشیده و برگشته است، فردای آن روز رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه ما آمد و فرمود: ای فاطمه دیروز چه خواسته‌ای داشتی که نزد پدرت آمدی؟ فاطمه پاسخ نداد و من ترسیدم اگر جواب ایشان را ندهم برخیزد و برود پس عرض کردم: ماجرا چنین است که دختر شما آن قدر مشک آب بر دوش کشیده و آب آورده که تسمه آن روی سینه‌اش اثر گذاشته و چندان آسیا گردانده که دست‌هایش آبله و تاول زده است و آن قدر خانه را روئیده و نظافت کرده که جامه‌هایش چرک و غبار و خاک گرفته است و چندان زیر دیگ آتش کرده که لباس‌هایش دودآلود و سیاه شده است و من به او گفتم: اگر نزد پدرت می‌رفتی و از ایشان تقاضای خدمتکاری می‌کردی که تا حدودی بار این مشقت و رنج این همه کار را از دوش تو بردارد خوب می‌شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از شنیدن ماجرا و درخواست ما فرمود: آیا می‌خواهید چیزی به شما بیاموزم که برایتان از خدمتکار بهتر باشد؟ هنگامی که آماده خواب شدید و یا به رختخواب رفتید سی و چهار بار «اللَّهُ اکبر» بگوئید و سی و سه بار «سبحان الله» و سی و سه بار «الحمد لله» بگوئید (تا بدین وسیله خستگی مفرط ناشی از کارهای روزانه از تن شما بیرون رفته و آرامش و نیروی دوباره برای کارهای روز بعد به جسم و جانتان بازگردد). در این هنگام حضرت فاطمه علیها السلام گفت: «رضیت عن الله و عن رسوله، رضیت عن الله و عن رسوله». من از خدا و رسولش راضی شدم من از خدا و رسولش راضی شدم برای آنچه خدا و رسولش به من عطا فرمودند راضی و خشنود شدم و هیچ شکایتی ندارم.^۲ ببینید همه انبیا و اولیا و خوبان عالم حتی مادر همه خوبی‌ها در دنیا آمده‌اند که سختی بکشند. هر کس بهتر بتواند این سختی را مدیریت و تحمل کند پیروز میدان امتحانات الهی است.

۱ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۵۳.

۲ من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، علی‌اکبر و محمدجواد و بلاغی، صدر، ج ۱، ص ۵۰۳.

آثار: اگر مخاطب ایستادگی را رمز موفقیت بداند و استقامت کند چه می‌شود؟

احزاب و امداد غیبی

هر کس در راه خداوند تبارک و تعالی استقامت کند خداوند قطعاً و حتماً او را یاری می‌کند: **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ**^۱.

بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خدا است سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند]: مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد.

این قاعده و وعده و سنت الهی است اما آنچه در جنگ احزاب اتفاق افتاد در این آیه شریفه ذکر شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا^۲.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آنگاه که (دشمنان شما در قالب) لشکریانی به سراغتان آمدند، ولی ما (برای دفاع از شما) تند بادی (سخت) و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید بر آنان فرستادیم، (و بدین وسیله دشمنان را قلع و قمع کردیم) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

امداد خدا به موسی

مقام معظم رهبری در یک سخنرانی به امداد غیبی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

لشکر فرعون با همه تجهیزاتش پشت سر بنی اسرائیل راه افتاده است. خب، آنها پیاده داشتند بدون تجهیزات می‌رفتند - یک مشت مردم بودند؛ زن، مرد، بچه - [اما] اینها با تجهیزات و سپاه و لشکر و اسب و همه چیز؛ طبعاً زود به آنها می‌رسیدند؛ به آنها [هم] رسیدند. اصحاب موسی از دور دیدند که وای! لشکر فرعون دارد می‌آید؛ دستپاچه شدند. در قرآن -سوره شعرا- می‌فرماید که «فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»، وقتی که دو گروه یعنی گروه حضرت موسی که جلو می‌رفتند و گروه فرعون که پشت سر می‌آمدند، همدیگر را از دور دیدند و این قدر به هم نزدیک شدند که می‌توانستند یکدیگر را ببینند، قال أصحاب موسى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ^۳ بنی اسرائیل که با موسی بودند، خوفشان برداشت، گفتند که یا موسی! الان به ما می‌رسند؛ «مُدْرِكُونَ» یعنی الان آنها می‌رسند، ما را می‌گیرند و قتل‌عام می‌کنند. موسی چه جواب داد؟ حضرت موسی در جواب گفت: قال کلاً، هرگز چنین چیزی پیش نخواهد آمد؛ چرا؟ **إِنَّ مَعِيَ رَبِّي**؛ [گفت] خدا با من است، پروردگار من با من است؛ **كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِين**. ببینید! معیت الهی این قدر اهمیت دارد. اینکه می‌گویند: **إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ**^۴، این معیت را باید قدر دانست. اگر من و شما بتوانیم این معیت الهی را حفظ کنیم، بدانید آمریکا که هیچ، اگر ده برابر قدرت آمریکا هم کسانی در دنیا نیرو داشته باشند، این نیرویی که خدا با او است، بر آنها غلبه خواهد کرد.^۵

سنت امداد الهی برای استقامت کنندگان

بر این عالم کون، بر این عالم وجود، قوانینی حاکم است که اهل ماده آن قوانین را نمی‌شناسند؛ آن قوانین را نمی‌بینند؛ **سِنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِ؛** و در جای دیگر: **سِنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِ.** سنت خدا یعنی قوانین الهی؛ قوانینی وجود دارد در عالم وجود، در سرتاسر این کون عظیم. این قوانین مثل قوانین طبیعی، مثل قانون جاذبه، مثل قانون ستارگان و خورشید و ماه و آمد و رفت ماه و خورشید در

۱ فصلت، آیه ۳۰.

۲ احزاب، آیه ۹.

۳ شعرا، آیه ۶۱.

۴ نحل، آیه ۱۲۸.

۵ بیانات در دیدار بسیجیان ۹۵/۹/۳.

شبانه‌روز، اینها قانون است؛ قانون طبیعی است. همین‌جور قوانینی در جوامع انسانی وجود دارد، این قوانین را اهل مادّه با چشم‌های کم‌سو نمی‌توانند درک بکنند اما وجود دارد. خب، وقتی که ما زمینه این قوانین را به دست خودمان فراهم کردیم، خدای متعال قانون را محکم می‌کند. آتش سوزندگی دارد، باید شما زمینه را فراهم بکنید، آتش را روشن کنید، جسم غیر مرطوب را روی آتش بگیرید، آتش خواهد گرفت؛ زمینه را فراهم بکنید، قانون طبیعی کار خودش را خواهد کرد. باید زمینه را فراهم کرد؛ ملت ایران این زمینه را فراهم کرد. این حرف‌ها را بزرگان ما گفته‌اند، هم قرآن مکرر فرموده است، هم در کلمات ائمه علیهم‌السلام، در کلمات رسول خدا، اینها وجود دارد. فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ.^۱ امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه می‌فرماید: صادقانه وارد میدان بشوید، ایستادگی بکنید، خدای متعال دشمن شما را سرکوب خواهد کرد و به شما نصرت خواهد داد. این قاعده کلی و قانون است. این قاعده در انقلاب تحقق پیدا کرد؛ مردم صادقانه وارد میدان شدند و ایستادگی کردند.^۲

بیان مقام معظم رهبری

ما در شکست دشمن شک نداریم؛ بنده هیچ تردیدی ندارم. هرکسی که با معارف اسلامی آشنا باشد می‌داند که «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ»، وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ؛ یا همین آیه‌ای که تلاوت کردند که «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»، اینها مسلم است و در این تردیدی نیست. میدانیم که شکست می‌خورند؛ میدانیم که سرنوشت رئیس‌جمهور کنونی هم بهتر از سرنوشت اسلافش - بوش و تئوکان‌ها و دوروبری‌های ریگان و بقیّه - نخواهد بود؛ این هم مثل همان‌ها در تاریخ گم خواهد شد و جمهوری اسلامی سربلند باقی خواهد ماند؛ در این هیچ تردیدی نداریم. ولیکن طبق سنت الهی، یک وظایفی بر عهده ما است؛ هرگز این نتیجه قطعی که پیشرفت و نصرت الهی نسبت به جمهوری اسلامی است، نباید ما را از وظایفمان غافل کند. یک وظایفی بر عهده ما است که اگر این وظایف را انجام ندهیم، نمی‌توانیم به آن نتایج مطمئن باشیم؛ باید وظیفه‌مان را انجام بدهیم.^۳

نمونه امداد الهی در جبهه در بیانات امام خامنه‌ای

می‌دانید که یکی از امدادهای الهی در جنگ‌های رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این بوده که نیروهای دشمن را در چشم سپاهیان اسلام، کم جلوه می‌داده «إِذَا التَّقِيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيَقْلِقُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ» در قرآن است، شما را در چشم آنها زیاد نشان می‌دهیم، آنها را در چشم شما کم نشان می‌دهیم. می‌دانید روحیه یکی از اساسی‌ترین عناصر رزم است دیگر، اگر روحیه نباشد، هرچه هم عدد زیاد باشد، فایده‌ای ندارد و این روحیه ایجاد می‌کند. من این را در جنگ احساس کردم .

من حالا عیب ندارد این را بگویم: یک وقتی در مقابل دو لشکر و نیم عراقی در غرب اهواز ما فقط یک تیپ داشتیم، آن هم یک تیپی که استعدادش به قدر یک گردان هم نبود! عراقی‌ها از ترس این تیپ جلو نمی‌آمدند، عراقی‌ها تا بیست کیلومتری اهواز تقریباً آمدند، چرا جلوتر نیامدند؟ از چی می‌ترسیدند؟

از یک تیپی که آنجا توی زمین فرو رفته بود و سنگر کنده بود و مستقر شده بود. این تیپ را وقتی ما می‌رفتیم می‌دیدیم، واقعاً دلمان می‌سوخت که نیروهای ما چقدر کم‌اند. یک تیپ ضعیفی بود که اولش استعداد آن در حد یک گردان بود. حالا اگر بگویم که این تیپ چند تا تانک داشت؛ واقعاً هر شنونده‌ای تعجب خواهد کرد.

یک تیپ بی‌استعداد ضعیف از لحاظ تجهیزات و از لحاظ نفرات، عمدتاً از لحاظ تجهیزات زرهی، این تیپ، دو تا لشکر را جلوی خودش معطل کرده بود. به فاصله دو، سه کیلومتری همین تیپ، دُبّ حردان معروف که مدت‌ها اسمش سر زبان‌ها بود و لابد شنیدید، که بعد

۱ نهج البلاغه (للصّبحی صالح)، ص ۹۲.

۲ بیانات در دیدار مردم قم ۹۴/۱۰/۱۹.

۳ بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲.

هم ما آن را گرفتیم، یعنی نیروهای اسلام گرفتند دبّ حردان را. آن دبّ حردان معروف مرکز نیروهای عراقی بود، دو لشکر و نیم نیروی عراقی آنجا گسترش یافته بود و نیروهای ما این قدر بود.

اینها از ترس همان یک تیپ، جلو نمی‌آمدند. ببینید در چشم آنها ما زیاد می‌شویم. در عوض بچه‌های ما، یک تیم‌های کوچک مثلاً پنجاه نفری، شصت نفری تشکیل می‌دادند از نیروهای داوطلب یا سپاه یا مخلوطی از داوطلب، سپاه، گاهی هم ارتشی‌ها، و اینها می‌رفتند، نفوذ می‌کردند در داخل دشمن، در دل دریای دشمن، واقعاً دریایی از دشمن بود، نفوذ می‌کردند، ضربه می‌زدند، چند تا تانک می‌زدند و برمی‌گشتند.

این ناشی از این بود که دشمن را کم، کوچک و ضعیف می‌شمردند و جرئت می‌کردند بروند طرفشان. این یک امداد غیبی است دیگر، که من این را خودم مشاهده کردم؛ یعنی این کم دیدن آنها [یعنی عراقی‌ها] و زیاد نمودن ما به آنها یک لطف الهی بود. البته این لطف را من ناشی از توجهات نیروهای ما می‌دانم. همان وقت من در نماز جمعه بارها یاد کرده بودم از کسانی که در سنگرها، در کنار تانک‌ها، در داخل جبهه با چه توجهی به خدا و با چه خلوصی کار می‌کنند، اینها البته زمینه این لطف الهی است.^۱

امداد حزب‌الله در بیان آیت‌الله مصباح

به گزارش تسنیم، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی یکشنبه شب در جلسه درس اخلاق ویژه ماه رمضان در دفتر مقام معظم رهبری در قم جنگ ۳۳ روزه را همراه با امدادهای غیبی دانست و اظهار کرد: در جنگ ۳۳ روزه اتفاقاتی افتاد که جز به صورت امداد غیبی قابل تفسیر نیست، من از شخص سید حسن نصرالله شنیدم که گفت اسرائیلی‌ها به نیروهای حزب‌الله حمله می‌کردند، ولی پس از عقب‌نشینی نیروهای حزب‌الله اسرائیلی پیشروی نمی‌کردند، دلیل را که از سربازان اسرائیلی جویا شدند، آن‌ها گفتند که مردانی با لباس‌های سفید با شمشیر با ما می‌جنگند.

وی اضافه کرد: سربازان اسرائیلی قضیه جنگیدن مردانی با لباس‌های سفید به همراه شمشیر را در مصاحبه با شبکه‌های اسرائیلی گفتند و در جنگ ۳۳ روزه داستان‌های عجیبی اتفاق افتاد که مصادیق امداد غیبی زنده شد، البته در طول دفاع مقدس نیز از این موارد داشتیم.



حالا اگر امتی اهل ایستادگی و مقاومت نباشد و به این گفتمان برسد که ما می‌خواهیم راحت باشیم و خودمان را وارد دعوای سیاسی و منازعات بین‌المللی نکنیم، با دم شیر بازی نکنیم، با کدخدا مدارا کنیم و از این قبیل حرف‌ها. چه سرنوشتی در انتظار چنین جامعه‌ای است؟

قرآن کریم در مورد ترس برخی از مؤمنین در جنگ احزاب عبارت عجیبی دارد، می‌فرماید:
إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا.^۲
آنگاه که دشمنان از بالا و پایین (شهر) شما به سراغتان آمدند (و مدینه را محاصره کردند)، و آنگاه که چشم‌ها (از ترس) خیره شده بود و جان‌ها به حنجره‌ها رسیده بود، و به خداوند گمان‌های (بدی) می‌بردید.

به قول امروزی‌ها «دلشان آمده بود توی دهنشان و این جوروی کپ کرده بودند». شما خودتان فرض کنید با زن و بچه در شهرتان محاصره شده‌اید و جمعیت دشمن حداقل سه برابر شما است. خودشان گفتند آمدیم کار مسلمانان را یکسره کنیم. فرض کنید از بالا و پایین محاصره شده‌اید. چه حالی خواهید داشت؟ ترس و ناامیدی عجیبی حاکم شده بود. وضعیت به‌گونه‌ای بود که برخی می‌گفتند: «مَا يَقْدِرُ أَحَدُنَا أَنْ يَخْرُجَ يَتَخَلَّى» ما حتی از ترس نمی‌توانیم برای تخلی کاری انجام بدهیم.

۱ بیانات در تاریخ ۱۰/۱/۱۳۶۱.

۲ احزاب، آیه ۱۰.

اما استقامت و صبر پیشه کردند خداوند هم آنها را امداد کرد. در احزاب اگر استقامت برای شکست طاغوت نبود برای همیشه ترس احزاب را در طول زندگی تجربه می کردند و دائماً به نحوی مضطرب و نگران می بودند. معلوم نبود چه بلایی سر مسلمانان می آمد. فقط یک روز به اهواز حمله شد و زن و بچه در تیررس تکفیریها قرار گرفتند. ملت چه وحشتی کردند؟! اگر مدافعان شیردل و دلیر حرم نبودند مایی که تحمل ۱۰ دقیقه حمله اهواز را نداشتیم باید سالها حملات داعش را تحمل می کردیم؟ میدانید داعش چه بلایی است و اگر یک جامعه به ویروس داعش آلوده بشود چه می شود؟ فقط یکی از هزاران را برای شما نقل می کنم.

روایت حاج قاسم از جنایات عراق

بگذارید بگویم اگر نعمت امنیت نباشد چه می شود. فرمانده نیروی قدس سپاه ۴ روایت تکان دهنده ای از جنایات داعش در عراق و سوریه، مطرح کرد. سردار سرلشکر قاسم سلیمانی با اشاره به فارغ التحصیلی ۱۲۰۰ نفر از دانشجویان بی گناه پادگان تکریت، گفت: به همه این افراد توسط داعش تیر خلاص زده شده و سر آنها بریده شد و به رودخانه انداخته شدند. وی همچنین افزود: «داعش بیش از ۲۰۰۰ زن جوان ایزدی را بین خود دست به دست به فروش رساند؛ از دخترهای نوجوان گرفته تا زنان جوان بدون اینکه حدود شرعی را بدانند.» وی در روایت سوم به فیلم معروفی از جنایت تروریستها در حلب اشاره کرد که یک کودک با تفریح و خنده گروههای تروریستی سر بریده می شود. وی افزود: از این کودک سؤال می کردند سرت را ببریم یا با تیر تو را بکشیم؟ و در نهایت سر این طفل را بردند. سردار سلیمانی در ادامه افزود: من دیدم که در همین دیاله کودکی را از سینه مادر گرفتند و روی آتش سرخ کردند و لای پلو گذاشتند و برای مادر فرستادند. وی تأکید کرد: این جنایت وحشتناک در سابقه تاریخی بشریت نایاب است.^۱

بله. نعمت امنیت در سایه مقاومت و تسلیم نشدن در برابر زورگویان و متجاوزان به دست می آید. اگر ما مقاومت نکرده بودیم الان باید میزبان داعشیهای گرگ صفت در شهرهای ایران می بودیم؛ ولی به لطف رهبر حکیم و مدبر و خانوادههای شهدا الحمدلله در سایه لطف امام زمان با امنیت داریم زندگی می کنیم.

دوباره برگردیم مدینه، اتفاقاً حضرت زهرا سلام الله در خطبه کوتاهی که خطاب به زنان مهاجرین و انصار ایراد کردند اشاره فوق العاده و پیش بینی دقیقی می کنند و می فرمایند: حالا که سازش کردید و اهل مقاومت نبودید دیگر سایه آرامش و امنیت را نمی بینید و آینده برای شما بسیار تاریک است.

این سرنوشت هر امتی است که اهل مقاومت و ایستادگی نباشد. حضرت زهرا به زنان مدینه فرمودند: شما ولی خدا را کنار گذاشتید پس آرامش نخواهید داشت:

پس از این از پستان شتر خون و زهری که زود هلاک کننده است، بدوشید. «در اینجاست که پویندگان راه باطل زیان بینند» و مسلمانانی که در پی خواهند آمد، درمی یابند که احوال مسلمانان صدر اسلام چگونه بوده است. قلبتان با فتنهها آرام خواهد گرفت. بشارتتان باد به شمشیرهای کشیده و برآ، و حمله جائر و متجاسر ستمکار، و درهم شدن امور همگان و خودرایی ستمگران! غنایم و حقوق شما را اندک خواهند داد و جمع شما را با شمشیرهایشان دور خواهند کرد؛ و شما جز میوه حسرت برداشت نخواهید نمود. کارتان به کجا خواهد انجامید؟^۲

بینید بعد از این فتنه صدر اسلام چند فتنه دامن گیر امت پیامبر شد و چه خونهایی ریخته شد و چه بلایایی بر سر مسلمانان وارد شد! دل انسان برای غربت و مظلومیت بی بی کباب می شود که چطور غریبانه خودش را فدای اسلام، فدای ولایت، فدای بشریت و حتی فدای مردم مدینه کرد اما هیچ کس قدر بی بی را ندانست. قدر خانم را امیرالمؤمنین می دانست که بعد زهرا سر در چاه می کرد. قدر حضرت را زینب کبری می دانست که از ۴ سالگی هم باید خانه داری کند هم عزاداری. قدر مادر را حسنین می دانستند که این روزها درد یتیمی بی تابشان کرده.

۱ سخنرانی سردار سلیمانی در دیدار خانواده شهدای ترور کشور ۱۳۹۶/۴/۱۹.

۲ أما لعمری لقد لقيت فنظرة ريمما تنتج ثم احتلبوا ملء القعب دماً عبيطاً و دعافاً مبيداً هنالك يخسر المبطلون و يعرف التالون غب ما أسس الأولون ثم طيخوا عن دنياكم أنفساً و اطمننوا للفتنة جاشاً و آبشروا بسيف صارم و سطورة معتد غاشم و بهرج شامل و استبداد من الظالمين يدع فينكم زهيداً و جمعكم حصيداً فيا حسرة لكم. الإحتجاج (الطبرسي)، ج ۱، ص ۱۰۹.

همین خطبه‌ای که فاطمه زهرا علیها السلام ایراد فرمودند خیلی کوتاه و جان‌سوز و درعین‌حال پر از درد است. کمی قبل از همین فراز بی‌بی می‌فرمایند: اگر شما مردم کمی در مقابل فتنه‌گران استقامت می‌کردید و ولایت را در جایگاه اصلی‌اش بنا می‌نهادید و به علی رأی می‌دادید علی هم دین شما و هم دنیای شما را آباد می‌کرد؛ یعنی یکی از آثار تبعیت از ولایت و دستورات اسلام ناب ولایی آباد شدن دنیای مؤمنین است.

رقار سازی

الآن هم اگر بخواهیم مشکلات اقتصادی ما حل بشود و از این تحریم و جنگ احزاب سالم بیرون بیاییم با دقت و درس گرفتن از وقایع صدر اسلام و فرمایشات سیده نساء العالمین باید راه پیش رو را طراحی کنیم.

بینیم رهبر فرزانه ما و نتیجه نسل بابرکت کوثر چه طریقی را جلوی پای ما می‌گذارند. ایشان می‌فرمایند: امروز دوران «بزن در رو» گذشته است و آمریکایی‌ها از درگیری مستقیم نظامی با ایران هراس دارند، لذا آنها اکنون تمرکز خود را بر جنگ اقتصادی و جنگ فرهنگی گذاشته‌اند و اتاق جنگ اقتصادی با نظام جمهوری اسلامی، وزارت خزانه‌داری آمریکا است.^۱ این بیان مربوط به همین سال ۹۷ است. در واقع به بهترین نحو محل آتش تهیه دشمن را لو داده است. در چنین شرایطی در جنگ احزاب علیه انقلاب اسلامی ما موظفیم خندق اقتصادی حفر کنیم. خندق اقتصادی که همان اقتصاد مقاومتی است بهترین راه برای نجات از نابودی در این جنگ نابرابر است. ایشان در بیان دیگری اشاره به جنگ شناختی که دیشب بحث کردیم می‌کنند و می‌فرمایند باید با خودباوری روی بیاوریم به تولید و مصرف کالاهای داخلی:

همه ما از بچگی این‌طور بار آمده بودیم که جنس ایرانی مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن؛ ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه زمینه‌ها. اصلاً این فرهنگ را در ذهن ملت ما نهادینه کرده بودند. این در حالی است که این موضوع ۱۸۰ درجه با واقعیت فرق دارد. این ملت، ملتی است که از همه جهت می‌تواند؛ می‌تواند تولید کند، می‌تواند رشد بدهد، می‌تواند ابتکار کند، می‌تواند مرزهای علم و فناوری را بشکند و جلو برود.^۲

عزیزان، اگر باور کنیم که واقعاً جنگ احزاب علیه ما راه افتاده و تاریخ در حال تکرار است و رهبر ما تکلیف ما را روشن کرده است، پس ما باید یک خندق بزرگ دور کشور ایجاد کنیم و مانع وارد شدن انواع کالاهای خارجی به میهن اسلامی مان ایران بشویم. این همه تأکید از طرف رهبر را چقدر عملی کرده‌ایم؟

من قبلاً هم این را گفته‌ام، تذکر داده‌ام، الآن هم مجدداً عرض می‌کنم. واردات کالاهایی که در داخل به‌قدر کافی تولید می‌شود، بایستی به‌صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود؛ آنچه در داخل تولید می‌شود، از خارج وارد نشود. اینکه ما نگاه کنیم بینیم کالاهای مصرفی ما، از خوراک گرفته تا پوشاک، تا وسایل منزل، تا کیف و کفش بعضی از بانوان، تا وسایل مدرسه و دفتر و قلم و امثال اینها از خارج بیاید، این مایه‌ی شرمندگی است! انسان احساس شرم می‌کند؛ هم در مقابل تولیدکننده داخلی احساس شرم می‌کند، هم در مقابل آن کسی که این جنس را از بیرون برای ما می‌فرستد.^۳

ما الحمدلله الگوهای خوبی در زمان‌های گذشته در این‌گونه مبارزات و جهادهای عظیم داشته‌ایم به این بیانیه‌ای که علمای قدیم و آگاه به زمان در زمینه حفظ و دفاع از کیان مسلمین و تشیع صادر کرده‌اند دقت کنید. انسان هم احساس غرور می‌کند که چه گذشته درخشانی حوزه علمیه دارد و هم احساس غم و غصه از اینکه با وجود چنین سرمایه‌ها و عقبه‌ای که داریم چرا هر چه زودتر بر این مشکلات فائق نمی‌شویم و مسئولین ما بیدار نمی‌شوند؟

بیانیه جمعی از علمای اصفهان (در یک قرن پیش):

۱- ۹۷/۲/۱۰۱ بیانات امام خامنه‌ای.

۲- ۱۳۸۴/۶/۳۱

۳- ۱۳۹۶/۰۱/۰۱۳

بعد از تسبیح و تحمید؛ این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن الملک متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مه‌ما امکن (تا حد امکان) بعد ذلک تخلف ننماییم، فعلاً پنج فقره است:

اولاً: قباجات و احکام شرعی، از شنبه (۱۴ جمادی‌الاول) به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود، اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر نموده و اعتراف نمی‌نویسیم، قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضاء نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم، ماها با این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم، بر آن میت ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوٰه بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مه‌ما امکن هر چه بدلی آن در ایران یافت نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم، حتی‌المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم، تابعین ماها نیز کذلک؛ و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد، آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً: میهمانی‌ها بعد ذلک، ولو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشد؛ یک پلو و یک چلو و یک خورش و یک افشیره، اگر زائد بر این کسی تکلف دهد، ما را به محضر خود وعده نگیرد، خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نماییم، هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً: وافوری و اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم؛ زیرا که آیات باهره (ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين - و لاتسرفوا ان الله لایحب المسرفین - و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکه) و حدیث: (لا ضرر و لا ضرار). ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مُسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده، بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری است، به نظر توهین و خفت می‌نگریم.

امضای آقایان کرام و علماء فخام کثرالله امثالهم

۱- ثقة‌الاسلام آقای حاج‌آقا نورالله. ۲- حسین بن جعفر الفشارکی، ۳- حجه‌الاسلام آقاجنفی، ۴- شیخ مرتضی اژه، ۵- آقا میرزا محمدتقی مدرس، ۶- حاجی سیدمحمد باقر بروجرودی، ۷- آقا میرزا علی محمد، ۸- حاجی میرزامحمد مهدی جویباره، ۹- سیدابوالقاسم دهکردی، ۱۰- حاجی سیدابوالقاسم زنجانی، ۱۱- آقامحمد جوادقزوینی، ۱۲- سیدمحمد رضا شهیر به آقا میرزای مسجدشاهی، ۱۳- حاجی آقا حسین بیدآبادی^۱

الآن وقت آن است که امت حزب‌الله با امید به پیروزی و برای دستیابی به مراتب بالای قدرت اقتصادی در دنیا و برافراشتن عزت شیعه در عالم از این‌گونه اقدامات انجام دهد و آن را تبدیل به پویش عمومی گرداند.

این نوع جهاد که نامش جهاد اقتصادی است در تاریخ باز هم سابقه دارد. علمدار و میدان‌دار و استاد جهاد اقتصادی، صاحب این شب زهرای مرضیه علیها السلام است. آنجا که فدک را سر دست گرفت و با مخالفین احتجاج کرد. همه میدانید فدک یک باغ بزرگ بود که منافع اقتصادی آن همه فقراء مدینه را در سال منتفع می‌نمود و پشتوانه مالی دستگاه ولایت بود. دشمن برای لطمه زدن به جریان حق از روش تحریم استفاده کرد و زهرای مرضیه علیها السلام برای احقاق حق وارد یک میدان مبارزه و دفاع مقدس اقتصادی شد و در همین راه جان نازنینش را فدا کرد. هر کس امروز در جهاد اقتصادی قدم بگذارد پا جای پای حضرت زهرا علیها السلام گذاشته است.

۱ عرفان مرجعیت و سیاست، موسی نجفی، صص ۸۴ و ۸۵.



بگذارید روضه امشب را با فدک شروع کنیم.

این توسل در تمام نذر ماست
در دل اول نام زهرا می‌برد
فدک سهل است عالم ارث زهراست
کشتی پهلوی محمد شکست
سنگ‌پرانان فدک را ببین
باغ فدک را که به ایمان فروخت؟
بر زخم قلب ختم رسولان نمک زدند
مادر چه کرده بود که او را کتک زدند

این فدک در آب و خاک و بذر ماست
زین ولایت هر که باغی می‌خرد
طنین آب شبنم ارث زهراست
وای که بر موج خدا سد شکست
آه بیا کوچه شک را ببین
وای چه کس آتش عصیان فروخت؟
آن فرقه‌ای که تیشه به نخل فدک زدند
مهدی بیا ز قاتل زهرا سؤال کن

آرزوی پسرش مهدی این است که انتقام این همه مظلومیت را زودتر بگیرد.

اذن حق در انتقام فاطمه است
انتقام من از او در ابتدا است
صاحب آن ناله زهرایی‌ام
پیش من باقی است اسناد فدک
داغدار چادر خاکی منم
چون که با خاک آشنا شد آن عزیز
مادرم آنجا پسر را خوانده است

آرزوی من سلام فاطمه است
هیزم خصم علی در پیش ماست
من حنین ناله زهرایی‌ام
شهر من گشته غم آباد فدک
پاسدار عفت و پاکی منم
قلب من چون آن سندان شد ریزریز
در کف من گوشواره مانده است